

نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی

حمید آذرمند^۱

چکیده

تفاوت در ماهیت و عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی یکی از علل تفاوت در سطوح توسعه‌یافتگی کشورهاست. نهادهای سیاسی و حقوقی به نسبت میزان سازگاری با فرآیند توسعه، بر روند «نباشت عوامل تولید» و همچنین بر میزان «بهره‌وری کل عوامل تولید» و در نهایت بر «تولید ملی» تاثیر می‌گذارند. این نهادها می‌توانند با شکل‌دهی ساختار انگیزشی و فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیتهای مولّد، در مقام عامل پیشبرد توسعه اقتصادی ظاهر شده و یا در مقابل با ایجاد انحراف از تولید، افزایش هزینه‌های مبادلاتی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری به عنوان یک عامل بازدارنده نقش ایفا کنند.

در این مقاله ضمن اشاره‌ای بر مبانی اقتصاد نهادگرایی و مروری بر تحقیقات انجام شده در این زمینه، جنبه‌های نظری و تجربی نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در فرآیند توسعه اقتصادی در ۵۷ کشور منتخب در حال توسعه در دوره زمانی ۱۹۸۰ تا

۱- محقق اداره حسابهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

۲۰۰۱ مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس نتایج تحقیق پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: نهادهای سیاسی و حقوقی، توسعه اقتصادی، کشورهای در حال توسعه، اقتصاد نهادگرایی.

مقدمه

در سال‌های اخیر توجه اقتصاددانان در تلاش جهت یافتن توضیحی برای رشد اقتصادی خیره کننده در کشورهای شرق آسیا و ناکامی اغلب کشورهای افریقایی و امریکایی لاتین در دستیابی به اهداف توسعه در نیمه دوم قرن بیستم، بر مباحث بلند مدت رشد و توسعه بویژه سهم سیاستهای دولت و نقش و کارکرد نهادها متمرکز شده و در این زمینه نظریات جدیدی مطرح شده است. در مباحث جدید بر کارکرد نهادهایی تاکید می‌شود که با شکل دادن ساختار انگیزشی می‌توانند فعالیتهای مولد را در جامعه به پیش برده یا مانعی بر سر راه آن باشند. به نظر می‌رسد اختلاف زیادی که در ماهیت و عملکرد نهادها میان کشورهای مختلف وجود دارد یکی از علل بسیار مهم تفاوت در سطوح توسعه یافتگی کشورهاست. نهادها اعم از رسمی و غیر رسمی تعیین کننده انگیزه‌ها و محدودیت‌های اقتصادی بوده و می‌توانند بخشی از علل موفقیت یا ناکامی فرآیندهای توسعه در کشورهای مختلف را توضیح دهند.

در سال‌های اخیر برای سنجش و مقایسه عملکرد نهادها شاخصهای متعددی در دسترس قرار گرفته و در مطالعات تجربی استفاده شده است. در این تحقیق مجموعه‌ای از شاخصهای معتبر بین‌المللی برای سنجش ساختار نهادی کشورها گردآوری و ارائه می‌شود. این شاخصها در مجموع می‌توانند مقیاس مناسبی برای ارزیابی عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی باشند.

آنچه این تحقیق را از سایر مطالعات انجام شده بویژه مقالات قبلی مؤلف^۱ در این زمینه متمایز می‌کند، اولاً بسط مفاهیم نظری در مورد کارکرد نهادها در فرآیند توسعه و ثانیاً توسعه رهیافت تجربی از طریق به‌کارگیری مجموعه‌ای از شاخصهای مرکب به جای متغیرهای ساده در الگوهای رشد

می‌باشد. این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است. در بخش اول اشاره‌ای به مفاهیم و تعاریف نهادها در ادبیات نهادگرایی می‌شود. در بخش دوم با مروری بر مبانی نظری توسعه اقتصادی اشاره‌ای گذرا بر مفاهیم و ادبیات اقتصاد نهادگرایی جدید و قدیم داشته و به برخی از تحقیقات انجام شده در این زمینه اشاره می‌شود. در بخش سوم به تبیین ابعاد نظری نقش نهادها در روند توسعه اقتصادی می‌پردازیم. در بخش چهارم شاخصهای معتبری جهت سنجش عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی معرفی شده و سپس الگوهایی بر اساس مبانی نظری و تجربی جهت بررسی ارتباط بین شاخصهای نهادی و میانگین رشد واقعی اقتصادی ارائه و برآورد می‌شود. در پایان، در بخش پنجم خلاصه نتایج تحقیق و پیشنهادهایی بر اساس یافته‌های تحقیق ارائه می‌شود.

۱- مفاهیم و تعاریف نهادها

در اغلب مطالعات انجام شده در زمینه نهادها، به تعاریف «نورث» استناد شده است. بنابر تعریفی که «نورث» از نهادها کرده است نهادها محدودیت‌هایی هستند که از جانب افراد بر تعاملات بین آنها تحمیل می‌شود. این محدودیت‌ها عبارتند از:

- قواعد رسمی شامل قانون اساسی، قوانین موضوعه، قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها

۱- از باب مثال رجوع شود به: «بررسی تاثیر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای جهان»؛ مجله دانش و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۶، نیمه اول ۱۳۸۴، صفحات ۱۱ تا ۳۶.

- محدودیت‌های غیررسمی شامل هنجارها، عرف و قوانین رفتاری خود تحمیل

- ویژگی اعمال این محدودیت‌ها

«نورث» با تمایز قایل شدن بین سازمانها و نهادها، سازمانها را به بازیگران و نهادها را به قوانین بازی تشبیه می‌کند.^۱

تعاریف دیگری که از نهادها ارائه شده بسیار نزدیک به تعریف «نورث» می‌باشد. بنابر یک تعریف دیگر، نهادها عبارتند از قواعد رسمی نظیر قوانین و مقررات و قواعد غیررسمی نظیر عرف و هنجارها که سازنده و تسهیل کننده تعاملات انسانها در یک جامعه می‌باشند.

در کشورهای در حال توسعه با توجه به نقش تعیین کننده کانونهای قدرت و نهادهای سیاسی و حقوقی در فرآیند توسعه، بررسی نقش دولت و نهادهای مذکور ضروری به نظر می‌رسد. لذا در این تحقیق نهادهای سیاسی و حقوقی به ترتیب زیر تعریف می‌شود:

- دولت (حکومت) و ارکان آن شامل نظام اجرایی، قانونگذاری، قضایی و نهادهای امنیتی و نظامی.

- قوانین و مقررات رسمی شامل قانون اساسی، قوانین موضوعه، آیین‌نامه‌ها و غیره. در این مطالعه صرفاً به نقش نهادهای حقوقی و سیاسی در توسعه اقتصادی پرداخته و از ورود به مبحث نهادهای غیررسمی از قبیل نهادهای اجتماعی، فرهنگی و نظایر آن اجتناب می‌شود.

1 - North, Douglass, (1991), "Institutions", Journal of Economic Perspectives, Vol. 5, #1.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مبانی توسعه اقتصادی

طی دهه ۱۹۸۰ با مطرح شدن مجدد نظریه‌های اقتصاد آزاد، الگوی نوکلاسیک^۱، بازار آزاد بروز پیدا کرد. این نظریات بر نقش مفید بازارهای آزاد، اقتصادهای باز و خصوصی‌سازی بنگاههای عمومی ناکارآمد تاکید نموده و توسعه‌نیافتگی را ناشی از سوءتخصیص منابع به دلیل سیاستهای نادرست قیمتی و دخالت بیش از حد دولت در اقتصاد می‌داند. در واقع الگوهای رشد سنتی نوکلاسیک به نوعی بسط الگوهای «هارود-دومار»^۲ و «سولو»^۳ هستند که بر اهمیت پس‌انداز تاکید می‌کنند.

البته نظریات سنتی نوکلاسیک در زمینه رشد اقتصادی بلند مدت عملکرد ضعیفی داشته که این امر زمینه بروز نظریات جدید را فراهم کرده است. نظریه‌های جدید رشد در اواخر دهه ۱۹۸۰ با معرفی اقتصاد اندیشه‌ها و سرمایه انسانی توسط «رومر»^۴ و «لوکاس»^۵ مطرح شده و از جانب اقتصاددانانی نظیر «بارو»^۶ و «سالایی مارتین»^۷ و دیگران توسعه پیدا کرد.

در الگوهای جدید رشد یا الگوهای رشد درونزا، رشد اقتصادی نتیجه طبیعی

۱- در کتاب «توسعه اقتصادی در جهان سوم» ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی و همچنین «اقتصاد توسعه» ترجمه غلامرضا آزاد، از واژه نوکلاسیک معادل Neo-Classic استفاده شده است.

2 - Harrod - Domar.

3 - Robert Solow.

4 - Paul Romer.

5 - Robert Lucas.

6 - Robert Barro.

7 - Xavier Sala-i Martin.

تعادل بلندمدت است. در این الگوها با تاکید مجدد بر اهمیت پس‌انداز و فن‌آوری، فرض نزولی بودن بازده نهایی سرمایه نقض شده و بازده فزاینده نسبت به مقیاس وارد الگو می‌شود. از دید نظریات نوکلاسیک و جدید رشد و الگوهای استاندارد «سولو» و «رومر» علت اصلی تفاوت در سطوح درآمد سرانه و نرخ‌های رشد اقتصادی کشورها، سرمایه‌گذاری بیشتر برای ایجاد سرمایه‌های فیزیکی و توسعه آموزش و تحقیقات و فن‌آوری می‌باشد.

سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود عوامل موثر بر ارتقای سرمایه‌گذاری و سایر عوامل تولید و همچنین بهره‌وری عوامل تولید می‌باشد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ آنچه از سیاستهای اقتصاد کلان مورد نظر اقتصاددانان بود به طور عمده معطوف بر سیاستهای مالی و پولی می‌شد. از اواخر دهه ۱۹۸۰ و با مطرح شدن مباحث جدید رشد، برخی از مطالعات نظری و تجربی در پی یافتن ارتباط بین نرخ‌های بلندمدت رشد اقتصادی و متغیرهای سیاستی و شاخصهای نهادی بوده است. در این مباحث بر اهمیت سایر جنبه‌های سیاستهای دولت (علاوه بر سیاستهای مالی و پولی) و نیز کارکرد و نقش نهادهای حقوقی و سیاسی تاکید می‌شود.

عوامل نهادی نظیر قوانین اقتصادی، سیاستهای دولت، نظامهای حقوقی و غیره شکل دهنده محیطهای اقتصادی برای تولید و تجارت هستند. اگر ساختار یک اقتصاد، سرمایه‌گذاری و تولید را تشویق کند موجبات توسعه و پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌کند. اگر کارآفرینان نتوانند نسبت به دریافت بازده سرمایه‌گذاری خود مطمئن باشند، سرمایه‌گذاری نخواهند کرد. این امر برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های فیزیکی، مهارت یا فن‌آوری صادق است. عواملی نظیر سلب مالکیت، فساد اقتصادی و اداری، انحصار، ناامنی و بی‌ثباتی، انگیزه برای سرمایه‌گذاری و تولید را کاهش داده و موجب افت بهره‌وری عوامل

تولید می‌شود.

بر طبق نظریات موجود در ادبیات رشد و توسعه، رشد اقتصادی ناشی از دو عامل

عمده می‌باشد:

عامل اول رشد «انباشت عوامل تولید» که خود به دو عامل سرمایه فیزیکی (منابع مالی، تاسیسات، تجهیزات، ماشین آلات و ...) و سرمایه انسانی (نیروی کار با توجه به سطح دانش، مهارت، سلامت و ...) تقسیم می‌شود. عامل دوم رشد، «بهره‌وری کل عوامل تولید» است. به طور مثال تابع تولید زیر را که به شکل تابع تولید کاب - داگلاس با فرض بازده ثابت نسبت به مقیاس تعریف شده، در نظر بگیرید:

$$Y = A \times K^{\alpha} \times L^{1-\alpha} \quad (1)$$

در رابطه مذکور Y نشان دهنده تولید کل و تابعی از نهاده سرمایه (K) و نهاده کار (L) و سهم هریک از آنها در تولید (α و $1-\alpha$) می‌باشد. در این رابطه A نشان دهنده «بهره‌وری کل عوامل تولید» می‌باشد.

بین اقتصاددانان در تعریف بهره‌وری کل عوامل و آنچه که مورد سنجش این مقیاس قرار می‌گیرد اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. در این مورد گاه حتی اظهارنظرهای متناقضی هم مطرح شده است. مثلاً از دید بخش قابل توجهی از اقتصاددانان، بهره‌وری کل عوامل مقیاسی ناظر بر چگونگی وضعیت فن‌آوری به کار برده شده در تولید کالا و خدمات می‌باشد. به عبارت دیگر از دید این گروه به نوعی بهره‌وری کل عوامل دلالت بر مفهوم تغییرات فن‌آوری دارد.^۱ از نظر گروهی دیگر بهره‌وری کل عوامل مقیاسی است که آثار خارجی مثبت فعالیت‌های اقتصادی را مورد سنجش قرار می‌دهد.^۲ حتی کسانی معتقدند

1 - Dollar, D. And E.N. Wolff.(1993), "Competitiveness, Convergence And International Specialization". MIT Press, Cambridge M.A.

2 - Griliches, Z., Jorgenson D. W., (1967), "The Explanation of Productivity Change," Review of Economic Studies, Vol. 34.

باقیمانده تابع تولید (باقیمانده سولو) و بهره‌وری کل عوامل، مقیاسی است از آنچه ما در مورد عوامل تعیین کننده رشد نمی‌دانیم. بسیاری از تعاریف ارائه شده برای بهره‌وری کل عوامل تولید از جامعیت کافی برخوردار نیست. به طور مثال اگر چه بسیاری از اقتصاددانان به ذکر این نکته که بهره‌وری کل عوامل دلالت بر تغییرات فن‌آوری داشته اکتفا می‌کنند، ولی ذکر این نکته ضروری است که بهره‌وری کل عوامل لزوماً مقیاسی برای پیشرفت‌های فن‌آوری نیست. چرا که می‌تواند تابعی از عوامل متعدد و حتی بسیار متفاوت نظیر متغیرهای نهادی، عوامل انسانی و یا حتی شرایط جغرافیایی باشد. بنابراین می‌توان بهره‌وری کل عوامل تولید را، بدون محدود کردن دامنه تعریف، مقیاسی دانست ناظر بر کلیه عوامل بجز نهاده‌های تولید که تولید ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهند.^۱

در بین عوامل غیر نهاده‌ای^۲ مؤثر بر تولید ملی، به طور عام نهادها و به طور خاص نهاده‌های سیاسی و حقوقی از اهمیت بسزایی برخوردارند؛ به طوری که نقش نظام قانونگذاری، دستگاه‌های اجرایی و اداری و دستگاه قضایی و همچنین کارکرد قوانین و مقررات و نحوه اعمال آن قوانین، بر مناسبات اقتصادی و اجتماعی به هیچ وجه قابل انکار نیست.^۳

در این تحقیق ماهیت و نحوه عملکرد نهاده‌های سیاسی و حقوقی بویژه در زمینه

۱- برای مطالعه بیشتر در مورد بهره‌وری کل عوامل رجوع شود به:

- آذرمند، حمید؛ «سنجش بهره‌وری کل عوامل تولید و بررسی روند تغییرات آن در ایران»، نخستین همایش ملی بهره‌وری و توسعه، تبریز، ۲۵ و ۲۶ آبان ماه ۱۳۸۴.

۲- منظور از عوامل غیر نهاده‌ای، کلیه عوامل مؤثر بر تولید بجز نهاده‌های سرمایه و کار می‌باشد.

۳- البته گفتنی است که مجموعه عوامل غیر نهاده‌ای مؤثر بر تولید، در عملکرد نهاده‌های سیاسی و حقوقی خلاصه نمی‌شوند و از گستردگی و تنوع بسیار برخوردار می‌باشند. این عوامل ممکن است شامل عوامل انسانی، عوامل سازمانی، شرایط جغرافیایی و ... باشند که پرداختن به آنها خارج از این مجال می‌باشد.

حقوق مالکیت، ثبات سیاسی و اقتصادی، کارایی قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و غیره و تاثیر آنها بر روند انباشت عوامل تولید و همچنین تاثیر بر بهره‌وری کل عوامل، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲- در آمدی بر اقتصاد نهادگرا

مکتب اقتصاد نهادگرا، فراتر از تمرکز معمول بر بازارها، با دقت بیشتری بر نهادهای ساخت بشر می‌نگرد. اقتصاد نهادگرا زمانی مکتب حاکم اقتصادی در امریکا بود. از اقتصاددانان مشهور آن می‌توان به «ب. و. تورستاین»^۱ (۱۹۲۹-۱۸۷۵)، «ج. کامونز»^۲ (۱۹۴۵-۱۸۶۲) و «م. وسلی»^۳ اشاره کرد. برخی از اقتصاددانان نهادگرا، «کارل مارکس» را نیز در زمره نهادگرایان می‌دانند.

اقتصادنهادگرا شامل نهادگرایی جدید و نهادگرایی سنتی می‌باشد. اقتصادنهادگرایی جدید نهادهای ساخت بشر را نتیجه ترجیحات شخصی و عوامل طبیعی یا فنی می‌داند. مشهورترین اقتصاددانان نهادگرایی جدید عبارتند از ر. «کاوس»^۴، «د. نورث»^۵ و «ا. ویلیامسون»^۶.

نهادگرایی سنتی در مقابل بیان می‌کند که ترجیحات و سلیقه شخصی، انتظار از آینده، عاداتها و انگیزه‌ها نه تنها تعیین کننده طبیعت نهادها هستند بلکه توسط نهادها محدود شده و شکل می‌پذیرند. اساساً نهادگرایی سنتی بر بنیادهای حقوقی یک اقتصاد و فرآیندهای تکاملی، هنجاری و ارادی تاکید می‌کند که توسط نهادها ایجاد شده و سپس تغییر می‌یابند. تحولات و حرکت‌های نوسانی نهادها متأثر از ساختارهای نهادی و انگیزه‌های فراوان ایجاد شده توسط خود نهادها بوده که این امر دلالت بر درونزایی

1 Thorstein Bunde Veblen.

2 -John Commons.

3 -Wesley Mitchell.

4 - Ronald Coase.

5 - Douglass North.

6 -Oliver Wiliamson.

نهادهای دارد. در واقع مطرح شدن دوباره نهادگرایی سنتی تأکیدی بر ارتباط اقتصاد با نظام اجتماعی و سیاسی جوامع می‌باشد.

ذکر این نکته ضروری است که اقتصاد نهادگرایی مکتب یا نظریه‌ای در مقابل نظریه اقتصاد نوکلاسیک نیست؛ بلکه به دنبال الحاق نظریه‌ای از نهادهای به علم اقتصاد می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت نهادگرایی بر مبنای اقتصاد نوکلاسیک بنا شده و آن را اصلاح کرده و توسعه می‌دهد.^۱

۲-۳- مطالعات انجام شده

۱- «د/گلاس نورث»؛ نورث با ارائه تعاریفی از نهادهای رسمی و غیررسمی به گسترش مفاهیم نظری اقتصاد نهادگرا و تبیین نقش نهادهای در عملکرد اقتصادی کشورها می‌پردازد. در آرای نورث که در قالب تألیفات وی در طی دهه ۱۹۹۰ و پس از آن مطرح شده است، نهادهای تشکیل شده‌اند از قواعد رسمی، هنجارهای غیررسمی و ویژگی اعمال آنها که تعیین کننده عملکرد اقتصادی هستند. قواعد رسمی بر مبنای هنجارها شکل می‌گیرند. اگر جوامعی قواعد رسمی جوامع دیگر را بپذیرند عملکرد متفاوتی نسبت به آن جوامع خواهند داشت چرا که هم هنجارهای رسمی و هم ویژگی اعمال آنها متفاوت می‌باشد. این بدین معنی است که انتقال قواعد رسمی اقتصادی و سیاسی از اقتصادهای مبتنی بر بازار در کشورهای غربی به کشورهای جهان سوم و اروپای شرقی یک شرط کافی برای دستیابی به عملکرد اقتصادی مطلوب نیست. بنابراین

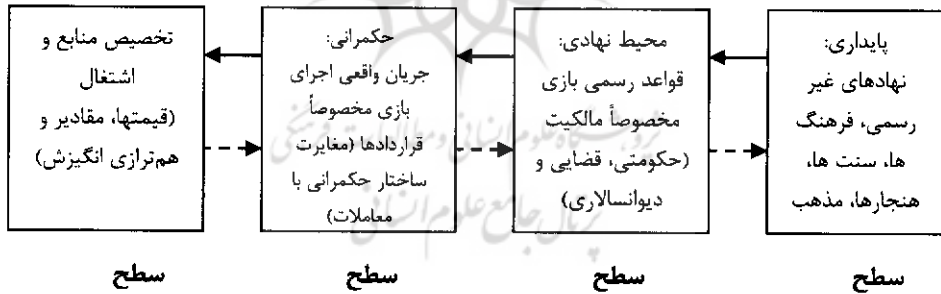
۱- برای مطالعه بیشتر در زمینه اقتصاد نهادگرایی رجوع شود به:

- Commons John "Institutional Economics", American Economic Review, Vol. 21, 1931.
- Hodgson, Geoffrey M., "The Approach of Institutional Economics", Journal of Economic Literature, Vol. 36, 1998.
- Williamson, Oliver E., "The Institutional Economics; Taking Stock, Looking Ahead.", Journal of Economic Literature, Vol. 38, 2000.

نظریات «نورث» سیاستها شکل دهنده کارایی اقتصادی هستند. زیرا سیاستها قواعد اقتصادی بازی را تعریف کرده و آن را اعمال می‌کنند. لذا محور یک سیاست توسعه باید بر مبنای ایجاد سیاستهایی شکل بگیرد که به‌وجود آورنده و اعمال‌کننده حقوق مالکیت کارآمد می‌باشند.^۱

۲- «الیور ویلیامسون»؛ ویلیامسون در مقام یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان اقتصاد نهاد‌گرای جدید، در تألیفات متعدد خود به توسعه مفاهیم نظری نهاد‌گرایی جدید می‌پردازد. وی پیچیدگی بسیار زیاد نهادها و نیز کنار گذاشتن نهادها توسط نوکلاسیک‌ها را عامل اصلی دانش ناکافی در مورد نهادها می‌داند. وی برای به دست آوردن چشم انداز کلی چهار سطح تحلیل اجتماعی را معرفی می‌نماید (نمودار شماره ۱). سطح اول سطح‌ریشه‌دار^۲ اجتماعی است که هنجارها، رسوم، اخلاقیات، سنتها و غیره

نمودار شماره (۱) - سطوح تحلیل اجتماعی اقتصاد نهاد‌گرایی



ماخذ: الیور ویلیامسون (۲۰۰۰)

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

- North, Douglass, (1990), "Institutions, Institutional Change, and Economic Performance", Cambridge, The University Press.

- North, Douglass, (1991), "Institutions", Journal of Economic Perspectives, Vol. 5, #1. 2 - Embedness.

در آن جای دارند. این سطح توسط اغلب اقتصاددانان نهادی مفروض گرفته می‌شود. تغییرات در این سطح بسیار کند صورت گرفته و ممکن است قرن‌ها و یا یک هزاره به طول انجامد. از سطح دوم بانام محیط نهادی یاد می‌شود. ساختارهای مشاهده شده در این سطح محصول فرآیندهای تکاملی هستند. با گذر از محدودیت‌های غیررسمی (بایدهای مذهبی، تابوها، رسوم، سنت‌ها و معیارهای رفتاری) به سطح قواعد رسمی یعنی قوانین اساسی، قوانین عادی و حقوق مالکیت می‌رسیم. سطح سوم نهادهای اعمال مدیریت می‌باشد. در سطح چهارم تحلیل نوکلاسیک کارآمد است. در این سطح از ابزار بهینگی و عمدتاً تحلیل نهایی استفاده می‌شود و بدین منظور بنگاه به طور نوعی در مقام یک تابع تولید توصیف می‌شود. اقتصاد نهادگرایی جدید به طور عمده با سطوح دوم و سوم درگیر است.^۱

۳- «رابرت بیتس و همکاران»^۲ (۲۰۰۴)؛ در این تحقیق نقش نهادهای سیاسی به لحاظ پاسخگویی سیاسی و انضباط سیاسی در توسعه اقتصادی افریقا بررسی شده است. پاسخگویی سیاسی منجر به اتخاذ سیاست‌هایی می‌شود که رفاه شهروندان را گسترش داده و شکوفایی اقتصادی را به دنبال می‌آورد. انضباط سیاسی نیز موجب فراهم شدن امنیت حقوق مالکیت و به دنبال آن علاقه‌مندی بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری، کار و تولید و در نتیجه دستیابی به سطوح بالاتری از درآمد می‌شود. در این مطالعه روند تحول اصلاحات سیاسی و انضباط سیاسی در افریقا بررسی شده است. در نهایت وجود تله فقر اثبات می‌شود که توسعه در افریقا را محدود می‌کند.

۲- ویلیامسون در زمینه اقتصاد نهادگرایی تالیفات متعددی می‌باشد که به برخی از آنها در بخش منابع اشاره شده است

1- Robert H. Bates, Avner Greif, Macartan Humphreys, and Smita Singh. "Institutions and Development". CID Working Paper No. 107, September 2004.

۴- «ویلیام وارد و همکاران»^۱ (۲۰۰۰)؛ در این تحقیق ارتباط بین زیرساخت نهادی و رشد اقتصادی در ۴۳ کشور در طی سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله در چارچوب الگوی رشد نوکلاسیک، مجموعه‌ای وسیع از متغیرهای نهادی را تلفیق می‌کند. این متغیرها که در مجموع معیاری برای زیرساخت نهادی یک کشور هستند عبارتند از شاخص امنیت حقوق مالکیت، عملکرد دولت، آزادی سیاسی و اندازه دولت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که امنیت حقوق مالکیت و اندازه دولت نهادهایی هستند که ارتباط معنی‌داری با تفاوت نرخهای رشد در کشورها دارند.

۵- «ویتولد هنیس»^۲ (۲۰۰۰)؛ در این مطالعه رابطه صریح بین یک مقیاس عینی از فشارهای سیاسی و تغییرات نرخهای رشد در کشورهای جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج این تحقیق از نظر آماری و اقتصادی اثری معنی‌دار بین فشارهای سیاسی و نرخهای رشد وجود دارد.

۶- «تئو ایشر و همکاران»^۳ (۲۰۰۵)؛ در این تحقیق تجربه ۲۶ کشور اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ در نقش تجربه‌ای از تغییرات نهادها مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر یافته‌های این تحقیق، در یک وضعیت ثابت، یک تغییر ۱۰ درصدی در وضعیت نهادها در سوق یافتن به سمت اقتصاد بازار نسبت به نظام اقتصادی مبتنی بر نظارتها، منجر به یک افزایش ۳،۵ درصدی در رشد اقتصادی

-
- 1 - Ward William A. and Maya Vijayaraghavan (2000), "Institutions and Economic Growth: Empirical Evidence from a Cross-National Analysis", Clemson University.
 - 2 - Henisz Witold J., (2000), "The Institutional Environment for Economic Growth", Economics and Politics 12(1).
 - 3 - Eicher, Theo, and Till Schreiber (2005). "Effects of Institutional Change on Economic Growth: Time Series Evidence from Natural Experiments", University of Washington.

می‌شود. همچنین شرط وجود ارتباط متقابل بین نهادهای اولیه (در سال ۱۹۹۱) و تغییرات بعدی نهادها معنی‌دار نیست. به عبارت دیگر فرض تله فقر نهادی رد می‌شود.

۷- «اکموقلو و همکاران»^۱ (۲۰۰۴)؛ محققان این پژوهش معتقدند که تفاوت در نهادهای اقتصادی علت بنیادین تفاوت در توسعه اقتصادی در بین کشورها می‌باشد. در این تحقیق چنین مطرح می‌شود که نهادهای اقتصادی تعیین‌کننده انگیزه‌ها و محدودیت‌های اقتصادی بوده و پیامدهای اقتصادی را شکل می‌دهند. شکل‌گیری نهادهای اقتصادی نیز خود تحت تاثیر نهادهای سیاسی و نحوه توزیع قدرت سیاسی در جامعه می‌باشد. توزیع قدرت سیاسی نیز در جهت تعیین شده توسط نهادهای سیاسی و توزیع منابع می‌باشد. نهادهای سیاسی متغیرهای پویایی بوده و در طول زمان، با تاثیرگذاری نهادهای اقتصادی غالب بر توزیع منابع، تغییر می‌کنند. بنابراین در این فرایند، اگر نهادهای سیاسی محدودیت‌های موثری را بر صاحبان قدرت اعمال کرده و رانت‌جویی‌های صاحبان قدرت را محدود کرده و چنانچه نهادهای سیاسی قدرت را به گروه‌هایی بسپارند که به طور گسترده به الزام حقوق مالکیت علاقه‌مند باشند، نهادهای اقتصادی مشوق رشد اقتصادی پدیدار خواهند شد.

۸- «نورونزیزا و همکاران»^۲ (۲۰۰۳)؛ در این تحقیق با مرور ادبیات موسوم به دامی افریقا^۳، اثر متغیرهای سیاسی شامل ثبات، نوع رژیم سیاسی و خشونت بر رشد اقتصادی کشورهای افریقایی بررسی شده است. محققان با بهره‌گیری از روش گشتاور تعمیم یافته و از طریق بسط الگوی رشد سولو، به این نتیجه رسیده‌اند که ثبات سیاسی

1-Acemoglu Daron, Simon Johnson, James Robinson, (2004), "Institutions as the Fundamental Cause of Long-Run Growth", NBER Working Paper No. 10481.

2 -Nkurunziza Janvier D. and Robert H. Bates, (2003), "Political Institutions and Economic Growth in Africa", The Centre for the Study of African Economies Working Paper Series, , Paper 185.

3-African dummy

و نوع رژیم سیاسی در کشورهای آفریقایی به طور معنی‌داری رشد اقتصادی این کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۹- «دنی رودریک و همکاران»^۱ (۲۰۰۲)؛ در این مطالعه با استفاده از ابزارها و شاخصهای توسعه‌یافته برای تجارت و عملکرد نهادها، سهم مربوط به نهادها، جغرافیا و تجارت بر سطوح درآمد در کشورهای جهان برآورد شده است. از آنجایی که متغیرهای مربوط به جغرافیا و تجارت اثر مستقیم ناچیز بر درآمد داشته و اثر غیر مستقیم آن بر درآمد از طریق تاثیرگذاری بر کیفیت نهادها می‌باشد لذا نتایج این تحقیق بر اهمیت مضاعف نهادها تاکید می‌کند.

اغلب مطالعات انجام شده در زمینه نهادها، بر نقش اساسی و تعیین‌کننده نهادهای رسمی و غیررسمی در روند توسعه اقتصادی تاکید می‌کنند. نهادها، چنانچه «داگلاس نورث» مطرح می‌کند، از قواعد رسمی و هنجارهای غیررسمی و ویژگی اعمال آنها تشکیل شده‌اند که تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی هستند. در این مطالعات به منظور بررسی تجربی تاثیر نهادها بر توسعه اقتصادی در کشورها و مناطق مختلف جهان از الگوهای متعددی استفاده شده است. در این الگوها شاخصهای مختلفی نظیر شاخص امنیت حقوق مالکیت، عملکرد دولت، آزادی سیاسی، اندازه دولت، فشارهای سیاسی، ثبات سیاسی و غیره به کار گرفته شده تا مقیاسی عینی از عملکرد نهادها به دست آید. با وجود تفاوت در تعاریف و روشها، در مورد اهمیت و نقش تعیین‌کننده نهادهای رسمی و غیررسمی در توسعه و شکوفایی اقتصادی، اتفاق نظر وجود دارد. تحقیق حاضر در ادامه مطالعات انجام شده در این زمینه، با بسط مفاهیم نظری و توسعه روشهای تجربی

1- Rodrik, Dani, Arvind Subramanian and Francesco Trebbi. Institutions Rule: "The Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic development". October 2002

به بررسی نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در روند توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد.

۳- الزامات نهادی توسعه اقتصادی

ساختار نهادی هر کشور به طور عمیقی عملکرد اقتصادی آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه به دلیل توسعه نیافتگی و ضعف مکانیزم‌های اقتصادی، ترتیبات نهادی از اهمیت بیشتری برخوردار است. نظریه‌های اقتصادی کلاسیک و نوکلاسیک قادر به توضیح رشد اقتصادی خیره کننده در کشورهای شرق آسیا و ناکامی اغلب کشورهای افریقایی و امریکای لاتین در دستیابی به اهداف توسعه در طی نیمه دوم قرن بیستم نبوده‌اند. می‌توان عواملی را علاوه بر رشد سرمایه فیزیکی و نیروی کار و پیشرفت های فنی برشمرد که در موفقیت یا ناکامی این کشورها در رشد و توسعه موثر بوده است. بی تردید نقش تعیین کننده نهادها در این بین قابل انکار نمی‌باشد. نهادها در برگزیده طیف گسترده‌ای از عوامل، قواعد و محدودیت‌های رسمی و غیررسمی و شرایط اعمال آنها با سطوح متفاوتی از تاثیرگذاری بر مناسبات اقتصادی و اجتماعی می‌باشند.

در ادبیات نهادگرایی، چنانچه گفته شد نهادها به دو گروه نهادهای رسمی و نهادهای غیررسمی تقسیم می‌شوند. نهادهای غیررسمی از پیچیدگی، تنوع و ماندگاری بیشتری نسبت به نهادهای رسمی برخوردارند. بنابر تعاریف موجود، نهادهای غیررسمی شامل قواعد غیررسمی، آداب و رسوم، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و مواردی از این نوع می‌باشد. در این تحقیق صرفاً تعاریف و مفاهیم و نقش نهادهای رسمی در روند توسعه اقتصادی بررسی می‌شود. در اینجا نهادهای رسمی در قالب نهادهای سیاسی و حقوقی شامل نظام اجرایی، قانونگذاری و قضایی و همچنین مجموعه قواعد و قوانین

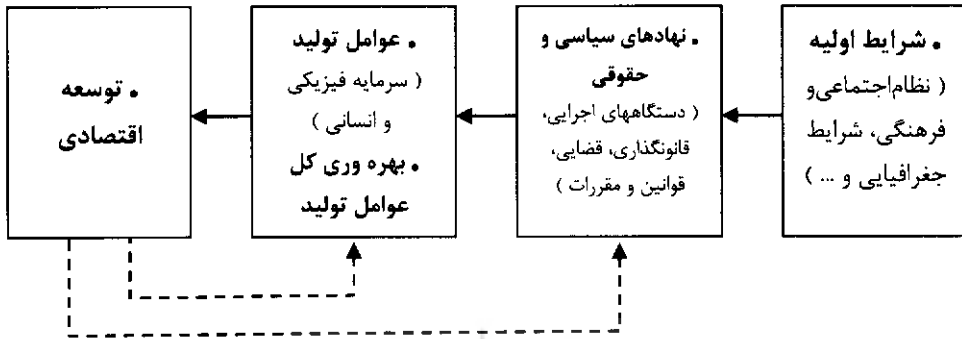
رسمی کشور منظور شده و نقش آنها در فرآیند توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نهادهای سیاسی و حقوقی، به نسبت میزان سازگاریشان با فرآیند توسعه، بر روند «انباشت عوامل تولید» و همچنین بر میزان «بهره‌وری کل عوامل تولید» و در نهایت بر «تولید ملی» تاثیر می‌گذارند. این نهادها می‌توانند با شکل‌دهی ساختارهای انگیزشی در جهت حمایت از تولید و همچنین با فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیتهای مولد، به عنوان یک عامل پیش‌برنده ظاهر شده و یا در مقابل با ایجاد انحراف از تولید و افزایش هزینه‌های مبادلاتی به عنوان یک عامل بازدارنده نقش ایفا کنند.

هرگونه اصلاحات در حوزه عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی در جهت افزایش کارایی قوانین و مقررات، برقراری حاکمیت قانون، فراهم کردن امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری، تضمین حقوق مالکیت، ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی، تسهیل ضوابط مربوط به تولید و تجارت، توسعه نهادهای مالی و زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد فضایی سالم، شفاف و رقابتی در اقتصاد و نظایر آن می‌تواند اقدامی در جهت فراهم کردن بستر تولید ارزیابی شود.

در مقابل، بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی و اجتماعی، گسترش فساد در نظام اداری و اجرایی کشور، ناکارآمدی نظام قضایی (طولانی شدن دادرسی، فساد در نظام قضایی، بی‌عدالتی و ...)، وجود کشمکش‌های داخلی و تنش‌های بین‌المللی و ناکارآمدی قوانین و مقررات، موجب افزایش هزینه‌های مبادلاتی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش انگیزه برای فعالیتهای مولد شده که پیامد آن کاهش انباشت عوامل تولید و کاهش بهره‌وری کل عوامل و در نتیجه رکود در روند توسعه اقتصادی می‌باشد.

نمودار شماره (۲) - سازوکار تاثیر متقابل نهادهای و توسعه اقتصادی



ماخذ: استنباط از نتایج تحقیق

۴- بررسی تجربی

۴-۱- روش شناسی

جهت بررسی تجربی نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی از برآورد الگوهای تجربی رشد استفاده می‌شود. الگوهای رشد مورد استفاده در این تحقیق تعمیم الگوی رشد سولو به روش «لویز» و «رنلت»^۱ و «بارو»^۲ (۱۹۹۱) می‌باشد. در این روش، در الگوی رشد علاوه بر متغیرهای مستقل استاندارد از برخی شاخصها به عنوان متغیر توضیحی استفاده می‌شود. شاخصهای مذکور عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی را از زوایای مختلف مورد سنجش قرار می‌دهد.

الگوها به روش حداقل مربعات (OLS) برآورد شده‌اند. مشاهدات تحقیق شامل ۵۷ کشور در حال توسعه و کمتر توسعه یافته شامل ۱۷ کشور از آفریقا، ۱۰ کشور از امریکای مرکزی، ۱۱ کشور از امریکای جنوبی، ۱۸ کشور از آسیا و اقیانوسیه و یک

1 - Levine and Renelt.

2 - R. Barro.

کشور از اروپای شرقی در دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ می‌باشد. در انتخاب این نمونه‌ها جمهوری‌های تازه استقلال یافته اتحاد شوروی سابق به دلیل شرایط بی‌ثبات اقتصادی آنها در دهه ۱۹۹۰ و نیز کشورهایی که مجموعه آمار مربوط به آنها در دسترس نبود، از دامنه شمول مستثنا شده‌اند.

۴-۲- توصیف داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل کمی و همچنین مقایسه کشورها به لحاظ ساختار نهادی از مجموعه شاخصهای مطرح در این زمینه استفاده می‌شود. برای برآورد هر یک از این شاخصها، که از مراجع معتبری نظیر بانک جهانی، موسسه فریزر^۱ و موسسه بین‌المللی شفافیت^۲ اخذ شده، مجموعه گسترده‌ای از معیارها و مقیاس‌ها مورد ارزیابی و برآورد قرار گرفته است. این شاخصها که عبارتند از شاخص ثبات سیاسی، شاخص کارایی دولت، شاخص حاکمیت قانون، شاخص کنترل فساد، شاخص ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت، شاخص کیفیت قوانین و شاخص فساد، در مجموع می‌توانند تصویری از ساختار نهادی هر کشور ارائه کنند. در این بخش از مقاله به توصیف هر شاخص و برخی از معیارها و ضوابطی که مورد ارزیابی تدوین‌کنندگان این شاخصها قرار گرفته است به اختصار اشاره می‌شود.

• ثبات سیاسی

ناپایداری و بی‌ثباتی نظامهای سیاسی و وجود تهدیدهای داخلی و خارجی هزینه سرمایه‌گذاری و فعالیتهای اقتصادی را افزایش داده و انگیزه برای فعالیتهای مولد - بویژه بلندمدت - را کاهش می‌دهد.

1 - Fraser Institution.

2 - Transparency International.

در این تحقیق شاخص ثبات سیاسی از مجموعه شاخصهای «کافمن»^۱ (۲۰۰۴) منتشر شده توسط بانک جهانی برای سنجش میزان پایداری و ثبات دولتها مورد استفاده قرار گرفته است. این شاخص میزان آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی در برابر تهدیدات و اقدامات غیرقانونی و خشونت‌آمیز را بررسی می‌کند. در تدوین این شاخص مجموعه وسیعی از معیارها و مقیاس‌های مرتبط در مورد کشورها مورد بررسی قرار گرفته است که برخی از آنها عبارتند از:

- تضادهای قومی، فرهنگی و مذهبی

- شورشها و اعتراضات سیاسی

- تظاهرات خشونت‌آمیز

- ناآرامی‌های اجتماعی

- جنگهای داخلی

- شورشهای شهری

- کشمکش‌های داخلی

- رواج قتل‌های سیاسی، آدم‌ربایی و شکنجه

- خطر کودتای نظامی

- جنگ و مداخله نظامی خارجی

- تنشهای بین‌المللی

احتمال وقوع هر یک از این موارد توسط تدوین‌کنندگان شاخص بررسی شده و در مجموع میانگین آن برای هر کشور محاسبه شده است. دامنه تغییرات این شاخص بین ۲/۵- و ۲/۵+ بوده که مقادیر بالاتر بیانگر ثبات سیاسی بیشتر است.

• کارایی دولت

شاخص کارایی دولت، میزان توانایی دولت را در سیاستگذاری‌های کلان

اقتصادی مورد سنجش قرار می‌دهد. این شاخص نیز از مجموعه شاخصهای کافمن بوده و همانند شاخص قبلی بازده تغییرات آن بین $-۲/۵$ و $+۲/۵$ می‌باشد. معیارها و ضوابط مورد سنجش در این شاخص عبارتند از:

- میزان کارایی دولت در ایجاد و نگه داری زیرساختهای ملی
- میزان کارایی دولت در جمع آوری مالیات و سایر درآمدهای دولتی
- تدوین به موقع بودجه
- میزان توانایی دولت در نظارت بر تحولات اقتصادی، اجتماعی و شرایط داخلی
- میزان توانایی دولت در پاسخگویی موثر به مسائل اقتصادی کشور
- میزان توانایی دولت در پاسخگویی مناسب به حوادث طبیعی
- کیفیت بوروکراسی
- توانایی دولت در انجام برنامه‌های اعلام شده
- توانایی دولت در حفظ موقعیت خود
- کیفیت خدمات کشوری، مهارت و توانایی مسئولان دولتی
- توانایی دولت در مدیریت پیوسته و بدون انقطاع شدید به هنگام تغییرات سیاسی
- ثبات سیاسی و پیوستگی سیاستهای اقتصادی

• حاکمیت قانون

این شاخص در مقام یکی دیگر از مجموعه شاخصهای «کافمن» عملکرد نظام قضایی و میزان حاکمیت قانون را در هر کشور مورد سنجش قرار می‌دهد. دامنه تغییرات این شاخص نیز بین $-۲/۵$ و $+۲/۵$ بوده که مقادیر بالاتر نشان دهنده عملکرد بهتر می‌باشد. ضوابط مورد ارزیابی در این شاخص عبارتند از:

- استقلال نظام قضایی در برابر دولت و سایر فعالان

- سرعت و بی‌طرفی در فرآیند دادرسی
- برقراری قانون و نظم
- الزام به قراردادهای توسط دولت در بخشهای خصوصی و دولتی
- حقوق مالکیت
- بازار سیاه
- جرایم خشن و گروگانگیری خارجیان
- سوء استفاده‌های مالی مستقیم، پول شویی و جرایم سازمان‌یافته

• کنترل فساد

- شاخص کنترل فساد از دیگر شاخصهای «کافمن» می‌باشد. وجود فساد اداری و اجرایی در بین کارکنان دولت از عواملی است که می‌تواند با افزایش هزینه‌های مبادلاتی اثر منفی بر روند فعالیتهای مولد برجای گذارد. عوامل مورد سنجش در تدوین شاخص کنترل فساد شامل موارد زیر است:
- میزان گستردگی فساد در دولت
 - اعطای امتیازات ویژه به اطرافیان و حامیان توسط مقامات دولتی
 - انحراف از سرمایه‌گذاری
 - عمومیت داشتن پرداختهای اضافی برای انجام امور در زمینه مجوز صادرات و واردات، تسهیلات عمومی، درخواست اعتبارات مالی، پرداخت مالیات، اعمال نفوذ در احکام قضایی و اجرای قوانین و ...

• کیفیت قوانین

کارایی و سازگاری قوانین و مقررات هر کشور با فعالیتهای اقتصادی یکی از

الزامات توسعه اقتصادی در هر کشور می‌باشد. شاخص کیفیت قوانین از مجموعه شاخصهای «کافمن» مقیاس مناسبی برای سنجش کیفیت و کارایی قوانین در بین کشورهای جهان می‌باشد. این شاخص براساس معیارهای زیر تدوین شده است:



- محدودیتها و ممنوعیتهای صادراتی و وارداتی
- مالکیت اتباع بیگانه
- رقابت عادلانه در عرصه‌های اقتصادی
- کنترل قیمتها و دستمزدها توسط دولت
- تعرفه‌های تبعیض آمیز
- مداخله دولت
- قوانین تجارت
- سرمایه‌گذاری خارجی
- بانکداری
- اعطای تابعیت به خارجیان
- سازگاری قوانین با نظام حقوقی سایر کشورها
- وجود داشتن قوانین مورد نیاز مشاغل (عدم وجود خلأهای قانونی)
- ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت (شاخص فریزر)

شاخص ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت از مجموعه شاخصهای آزادی اقتصادی موسسه فریزر بوده و بر اساس معیارها و ضوابط زیر به ارزیابی ساختار حقوقی کشورها می‌پردازد. دامنه تغییرات این شاخص بین ۱ تا ۱۰ بوده که مقادیر بیشتر نشان دهنده عملکرد بهتر می‌باشد.

- استقلال قضایی

- بی‌طرفی دادگاه‌ها
- حمایت از مالکیت معنوی
- دخالت نظامیان در سیاست
- نظم و قانون

• فساد سیاسی و اداری

شاخص مشاهده فساد مربوط به موسسه بین‌المللی شفافیت، میزان فساد بین مسئولان دولتی و سیاستمداران را در ۱۳۳ کشور جهان ارزیابی می‌کند. این موسسه با همکاری موسسات معتبر علمی و پژوهشی به ارائه این شاخص پرداخته و بر اساس آن کشورها را رتبه‌بندی می‌کند. بنابر تعریف این موسسه، فساد عبارت است از سوء استفاده از مناصب دولتی برای منافع شخصی. در این ارزیابی فساد اداری و سیاسی از هم متمایز نشده است. بر حسب گزارش مربوط به سال ۲۰۰۳ کشورهای فنلاند، ایسلند و دانمارک دارای کمترین میزان فساد و کشورهای هائیتی، نیجریه و بنگلادش دارای بیشترین میزان فساد در بین مسئولان دولتی می‌باشند. کشور ایران در بین ۱۳۳ کشور در جایگاه ۷۸ قرار گرفته است.

۴-۳- مدل تحقیق

با فرض اینکه عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی می‌تواند از طریق تاثیر بر نرخ انباشت سرمایه و کارکرد عوامل تولید و همچنین با تاثیر بر بهره‌وری کل عوامل تولید، بر عملکرد اقتصادی و نرخ بلند مدت رشد تاثیر داشته باشد، شاخص «ثبات سیاسی»، شاخص «کارایی دولت»، «شاخص حاکمیت قانون»، شاخص «کنترل فساد»، شاخص «ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت»، شاخص «کیفیت قوانین» و «شاخص فساد» به عنوان مقیاس‌های مناسب جهت ارزیابی عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی انتخاب شده

و به عنوان متغیرهای توضیحی در کنار متغیرهای استاندارد مطرح در ادبیات رشد، در الگوهای رشد وارد شده است. الگوهای استفاده شده در این تحقیق از شکل کلی زیر تبعیت می‌کنند:

$$g_i = \alpha + \beta M_i + \gamma Z_i + u_i \quad (2)$$

در اینجا g میانگین رشد واقعی تولید ناخالص داخلی، M برداری از متغیرهای توضیحی استاندارد مطرح در ادبیات رشد و Z برداری از شاخصهای نهادی می‌باشد که در مقام متغیرهای توضیحی وارد الگوها می‌شوند. u نیز جمله اختلال الگو می‌باشد. t اندیس نمایانگر هر کشور و α ، β و γ نیز پارامترهای الگو می‌باشند که با روش حداقل مربعات^۱ برآورد شده‌اند. معنی‌داری پارامترها و الگوها با استفاده از آزمون‌های F و t مورد سنجش قرار گرفته است. با توجه به بین کشوری بودن داده‌ها در این تحقیق، ناهمسانی واریانس اجزای اختلال توابع رگرسیون با استفاده از روش «وایت»^۲ مورد آزمون قرار گرفته که برحسب نتایج مشکل ناهمسانی واریانس مشاهده نشد.

۴-۴- تخمین مدل

نتایج برآورد الگوها در جدول شماره ۱ آمده است. برحسب نتایج، در همه الگوها ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه پایه در سطح اطمینان ۹۹.۹ درصد معنی‌دار و علامت آن منفی بوده که نشان دهنده همگرایی درآمد سرانه می‌باشد. هرچند نمی‌توان مدعی وجود یک رابطه ساده بین نرخهای رشد اقتصادی و سطوح درآمد سرانه شد ولی با فرض ثابت بودن سایر متغیرها یک رابطه منفی بین سطح درآمد سرانه و رشد

1 - Ordinary Least Squares (OLS).

2 - Whites General Heteroscedasticity Test.

اقتصادی وجود دارد.

ضریب متغیر نرخ سرمایه‌گذاری در سطح اطمینان ۹۹،۹ درصد معنی‌دار بوده و علامت آن مثبت می‌باشد. این امر بیانگر رابطه مستقیم نرخ سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بلندمدت در کشورها می‌باشد.

ضریب متغیر رشد شاخص آموزش نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار و مثبت می‌باشد. در تحقیق حاضر نرخ رشد میانگین سالهای دستیابی به تحصیل برای افراد بالای ۱۵ سال در دوره زمانی بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ برای کشورهای مختلف محاسبه شده و در نقش مقیاس سنجش آموزش در الگوها به کار رفته است. داده‌های مربوط به این متغیر از ضمیمه آماری مطالعه «بارو» استخراج و محاسبه شده است.

ضریب شاخص وابستگی جمعیتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار بوده و علامت آن منفی می‌باشد. این متغیر از محاسبه نسبت مجموع جمعیت زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال به جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال و بر اساس ترکیب جمعیتی کشورها در سال ۲۰۰۱ به دست آمده است. گروه سنی زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال عموماً دربرگیرنده جمعیتی است که در فرایند تولید سهم کمتری داشته و در عین حال نوعاً نیازمند صرف هزینه‌های بیشتر از منابع عمومی (برای تحصیل و مراقبت‌های پزشکی و غیره) می‌باشند.

جدول شماره ۱- نتایج برآورد الگوهای رشد در کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۶

متغیر وابسته: میانگین رشد واقعی تولید ناخالص داخلی بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۶								متغیرهای توضیحی
الگوی هشتم	الگوی هفتم	الگوی ششم	الگوی پنجم	الگوی چهارم	الگوی سوم	الگوی دوم	الگوی اول	
عدد ثابت	۱۴/۳ (۴/۷)	۱۴/۶ (۴/۸)	۱۵/۷ (۵/۷)	۱۵/۶ (۵/۵)	۱۶/۹ (۵/۸)	۱۵/۴ (۵/۲)	۱۲/۱ (۳/۹)	۱۵/۶ (۵/۵)
لگاریتم درآمد سرانه اولیه	-۱/۵ (-۴/۸)	-۱/۵ (-۴/۹)	-۱/۷ (-۶)	-۱/۷ (-۵/۸)	-۱/۸ (-۶)	-۱/۷ (-۵/۴)	-۱/۵ (-۵)	-۱/۸ (-۶/۲)
میانگین نرخ سرمایه گذاری	۰/۲ (۴/۵)	۰/۲ (۴/۱)	۰/۱ (۲/۹)	۰/۱ (۳/۲)	۰/۱ (۳/۳)	۰/۱ (۳/۷)	۰/۱ (۳/۶)	۰/۱ (۳/۲)
رشد شاخص آموزش	۰/۰۱ (۲/۳)	۰/۰۲ (۲/۵)	۰/۰۱ (۲/۵)	۰/۰۱ (۲/۴)	۰/۰۱ (۲/۳)	۰/۰۱ (۲/۸)	۰/۰۱ (۲/۴)	۰/۰۱ (۲/۶)
وابستگی جمعیتی	-۳/۹ (-۲/۵)	-۳/۸ (-۲/۴)	-۲/۵ (-۱/۷)	-۲/۴ (-۱/۶)	-۳ (-۲)	-۳ (-۱/۹)	-۲/۸ (-۱/۸)	-۳/۳ (-۲/۲)
میانگین شاخص ثبات سیاسی	—	۰/۴ (۱/۵)	—	—	—	—	—	—
میانگین شاخص کارایی دولت	—	—	۱/۴ (۲/۹)	—	—	—	—	—
میانگین شاخص حاکمیت قانون	—	—	—	۱/۳ (۳/۳)	—	—	—	—
میانگین شاخص کنترل فساد	—	—	—	۱/۲ (۳/۳)	—	—	—	—
میانگین شاخص کیفیت قوانین	—	—	—	—	—	۰/۹ (۲/۲)	—	—
شاخص ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت	—	—	—	—	—	—	۰/۴ (۲/۲)	—
شاخص فساد CPI (Corruption Perception Index)	—	—	—	—	—	—	—	۰/۵ (۳/۵)
متغیر مجازی برای ایران	-۱/۶ (-۱/۱)	-۱/۴ (-۱)	-۰/۷ (-۰/۶)	-۰/۵ (-۰/۴)	-۰/۷ (-۰/۵)	-۰/۲ (-۰/۱)	-۱/۱ (-۰/۸)	-۱ (-۰/۷)
آماره F	۱۱/۶	۱۰	۱۵	۱۳/۵	۱۳/۵	۱۱/۳	۱۱/۲	۱۳/۳
ضریب تبیین	۵۳	۵۵	۶۴	۶۲	۶۲	۵۸	۵۷	۶۳

توضیح: ۱- اعداد داخل پرانتز آماره می باشد. (منبع: محاسبات تحقیق)

۲- تعداد مشاهدات: ۵۷ کشور.

جدول شماره ۲- ضریب همبستگی بین میانگین رشد اقتصادی و عوامل موثر بر رشد در کشورهای در حال توسعه بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱

میانگین رشد اقتصادی	ضریب همبستگی
-۸.۲	سرانه پایه (۱۹۸۰) GDP
۴۹.۵	میانگین نرخ سرمایه گذاری
۱۳.۶	رشد شاخص آموزش
-۳۴.۸	وابستگی جمعیتی
۲۷	میانگین شاخص ثبات سیاسی
۵۲.۸	میانگین شاخص کارایی دولت
۴۸	میانگین شاخص حاکمیت قانون
۴۳.۵	میانگین شاخص کنترل فساد
۴۶.۵	میانگین شاخص کیفیت قوانین
۴۳.۱	ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت

منبع: محاسبات تحقیق

ضرایب شاخص «ثبات سیاسی»، شاخص «کیفیت قوانین» و همچنین «شاخص ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت» در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنی‌دار و علامت آنها مثبت می‌باشد. ضرایب شاخصهای «کارایی دولت»، شاخص «حاکمیت قانون»، شاخص «کنترل فساد» و شاخص فساد (CPI) نیز دارای علامت مثبت و در سطح اطمینان ۹۹.۹ درصد معنی‌دار می‌باشند. نتایج آزمون F نیز بیانگر معنی‌داری همه الگوها در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد.

نتایج تخمین الگوها برای ضرایب متغیرهای درآمد سرانه، نرخ سرمایه‌گذاری، آموزش و وابستگی جمعیتی مطابق انتظار و در جهت مبانی نظری رشد و توسعه می‌باشد.

در الگوهای دوم تا هشتم شاخصهای نهادی در نقش یک متغیر توضیحی وارد الگوها شده است. ضرایب همه شاخصها معنی‌دار و علامت آنها مثبت بوده که این امر تائید‌کننده مباحث نظری مطرح شده در این مقاله می‌باشد.

با توجه به جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود با وارد کردن متغیرهای نهادی به الگوها ضریب تبیین افزایش می‌یابد. این تغییر بیانگر افزایش توان توضیح‌دهی الگوها با در نظر گرفتن عملکرد نهادها می‌باشد. البته پایین بودن نسبی ضرایب تبیین در الگوها ناشی از بین‌کشوری بودن مشاهدات می‌باشد.

در الگوها به منظور بررسی تطبیق نتایج الگوها به طور خاص با کشور ایران، یک متغیر مجازی برای ایران تعریف شده که معنی‌دار نبودن ضرایب آن دلالت بر اعتبار الگوهای مذکور برای توضیح تغییرات رشد در این کشور دارد.

جدول شماره ۲ ضریب همبستگی بین متغیر میانگین رشد واقعی اقتصاد و عوامل تعیین‌کننده رشد را نشان می‌دهد. با توجه به مقادیر به دست آمده، بین متغیرهای نشان‌دهنده عملکرد نهادها و رشد اقتصادی، همبستگی نسبتاً قابل توجهی وجود دارد.

نمودارهای شماره ۳ الی ۹ رابطه بین رشد اقتصادی و شاخصهای نهادی را بین ۱۰ کشور منتخب نشان می‌دهد. چنانچه در همه موارد مشاهده می‌شود کشورهای کره جنوبی، مالزی، هنگ‌کنگ، بوتسوانا و شیلی که بر اساس شاخصهای مذکور دارای وضعیت بهتری از نظر عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی نسبت به کشورهای ایران، نیجر، زامبیا، نیکاراگوئه و هائیتی هستند، به طور قابل توجهی دارای نرخ رشد اقتصادی بالاتری می‌باشند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق جنبه‌های نظری و تجربی نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی شامل نظام اجرایی، قانونگذاری و قضایی و همچنین مجموعه قوانین و مقررات، از طریق ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی، تصریح و تضمین حقوق مالکیت، ارتقای کارایی قوانین و مقررات، برقراری حاکمیت قانون و کاهش انحراف از تولید می‌تواند بر میزان انباشت «عوامل تولید» و همچنین «بهره‌وری کل عوامل» و در نتیجه بر «درآمد ملی» تاثیر بگذارد.

به منظور بررسی تجربی تاثیر عملکرد نهادها بر رشد اقتصادی بلندمدت در کشورهای در حال توسعه، مجموعه‌ای از شاخصهای معتبر در زمینه عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی گردآوری شده و در الگوهای رشد مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس نتایج برآورد الگوها ارتباط مستقیم و معنی‌داری بین شاخصهای «ثبات سیاسی»، «کارایی دولت»، «حاکمیت دولت»، «کنترل فساد»، «کیفیت قوانین»، «ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت» و «فساد» وجود دارد.

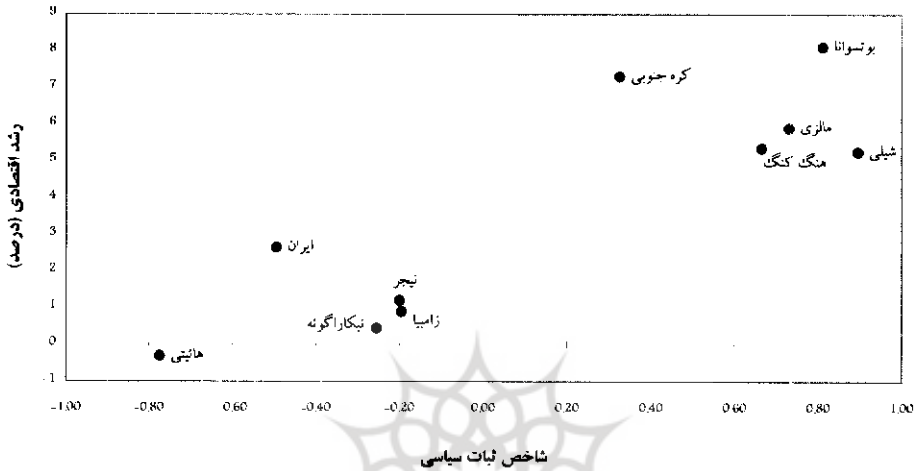
بررسی تجربه کشورهای مختلف در طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد عواملی نظیر وجود بی‌ثباتی و ناامنی‌های اقتصادی و اجتماعی، وجود کشمکش‌های داخلی و تنش‌های بین‌المللی، ناکارآمدی نظام قضایی و گسترش فساد در نظام اداری و اقتصادی کشورها، موجب افزایش هزینه‌های مبادلاتی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش انگیزه برای فعالیت‌های مولد شده که پیامد آن کاهش انباشت عوامل تولید و کاهش بهره‌وری و در نتیجه رکود در روند توسعه اقتصادی می‌باشد.

لذا براساس یافته‌های نظری و تجربی این تحقیق، پیشنهاد می‌شود به منظور فراهم کردن بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری و فعالیتهای مولد و دستیابی به رشد و

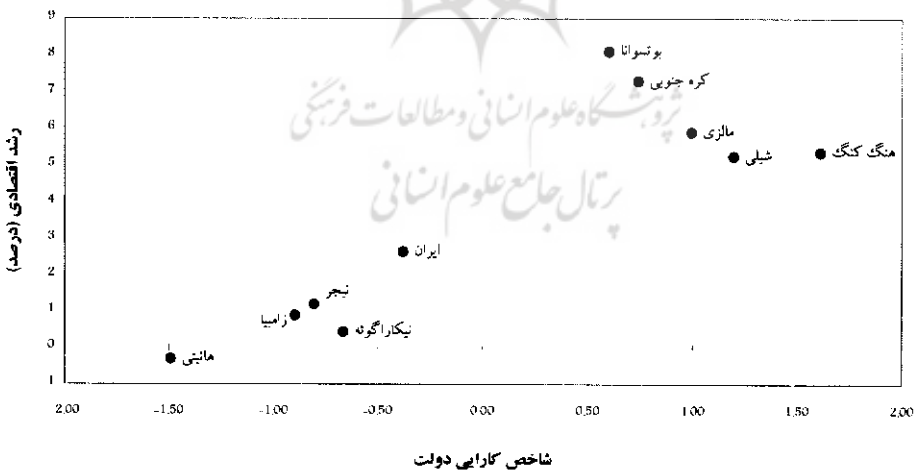
توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، اصلاح ساختاری و ارتقای کیفیت و کارایی نهادهای سیاسی و حقوقی در اولویت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان قرار گیرد. اهم این اصلاحات شامل ایجاد ثبات و پایداری سیاسی و اقتصادی، تسهیل ضوابط و حذف مقررات زاید مربوط به تولید و تجارت، افزایش کارایی قوانین و مقررات، برقراری حاکمیت قانون، فراهم کردن امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری، تصریح و تضمین حقوق مالکیت و همچنین ایجاد فضایی سالم، شفاف و رقابتی در اقتصاد می‌باشد.



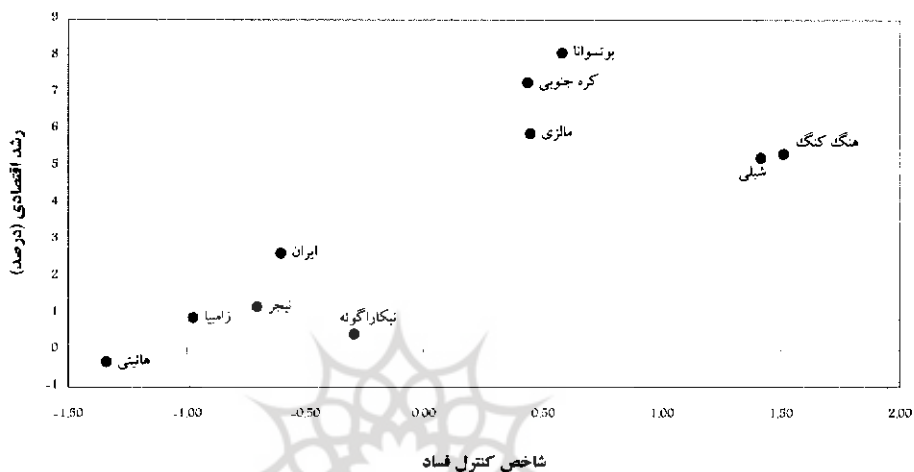
نمودار شماره ۳- نمودار پراکندگی رابطه بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی



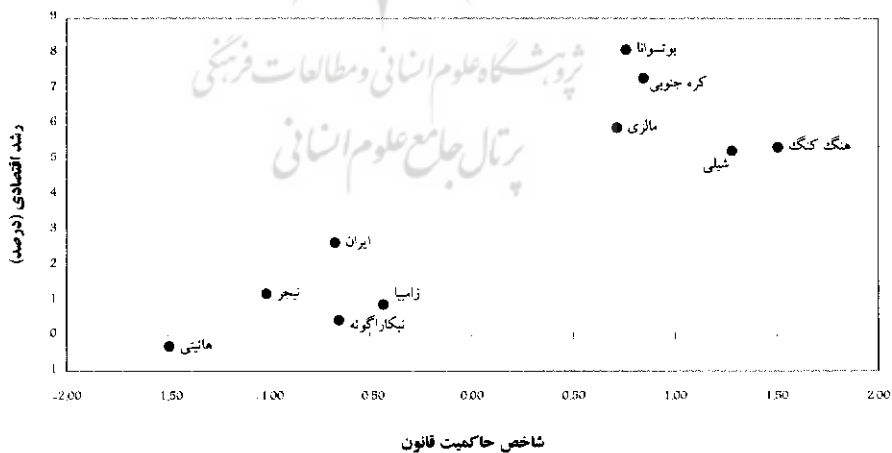
نمودار شماره ۴- نمودار پراکندگی ارتباط کارایی دولت و رشد اقتصادی



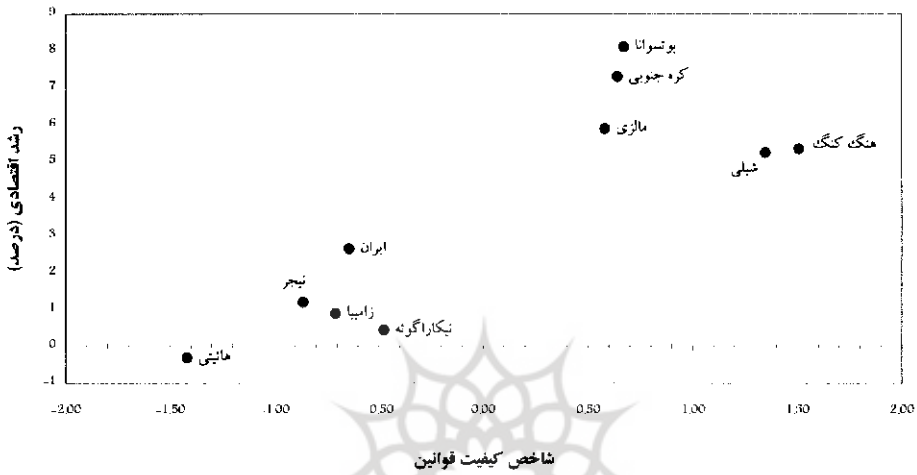
نمودار شماره ۵- نمودار پراکندگی رابطه بین کنترل فساد و رشد اقتصادی



نمودار شماره ۶- نمودار پراکندگی رابطه بین حاکمیت و رشد



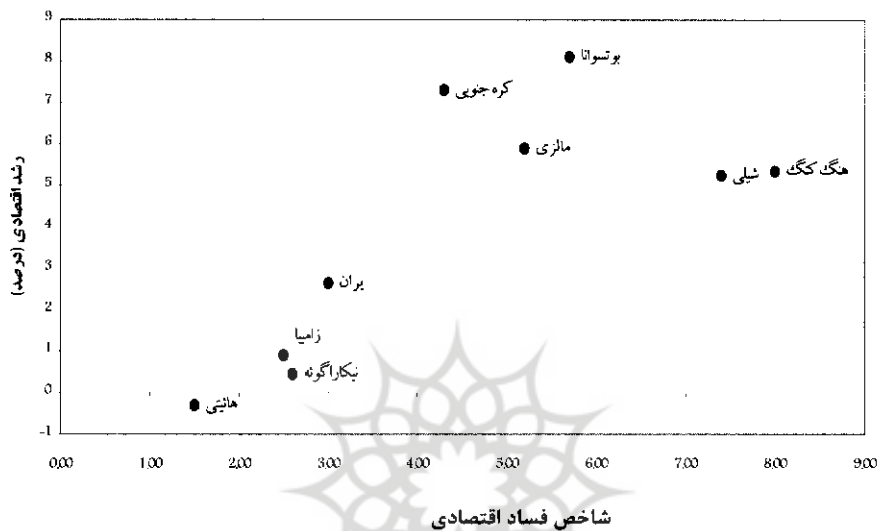
نمودار شماره ۷- نمودار پراکندگی رابطه بین کیفیت قوانین و رشد اقتصادی



نمودار شماره ۸- نمودار پراکندگی رابطه بین حقوقی و امنیت حقوقی مالکیت و رشد



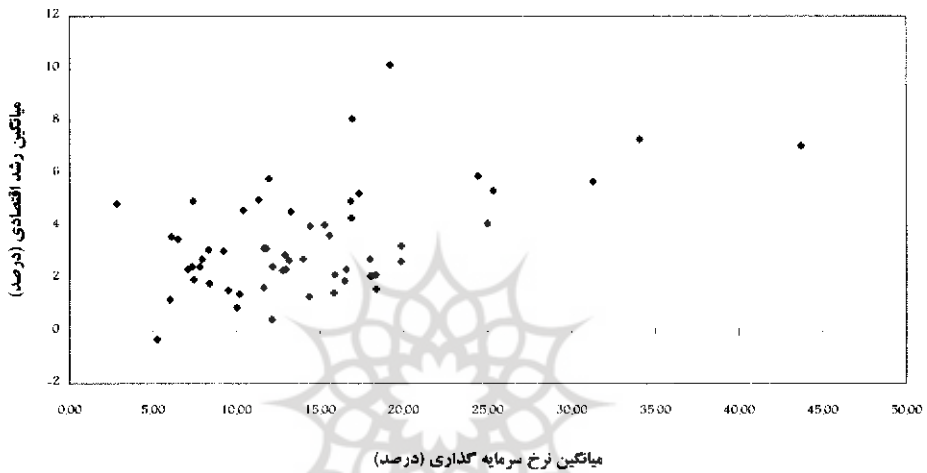
نمودار شماره ۹- نمودار پراکنندگی رابطه بین فساد اقتصادی و رشد اقتصادی



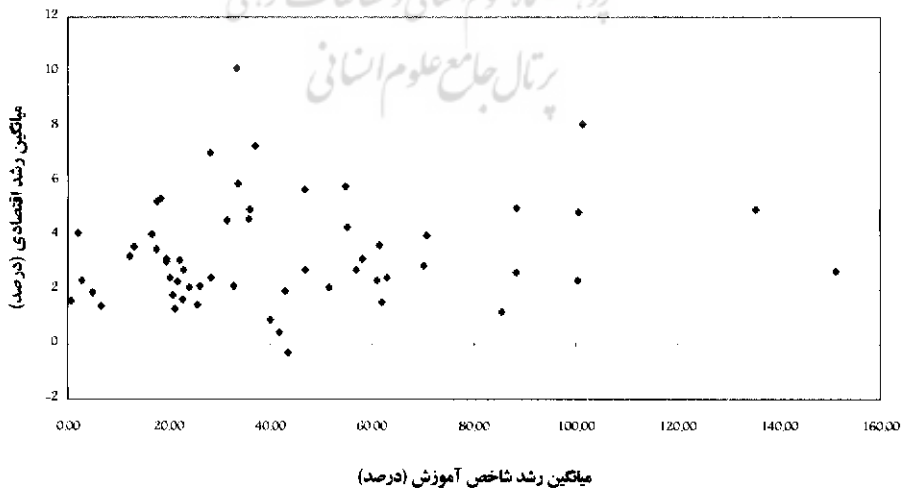
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

پیوستها:

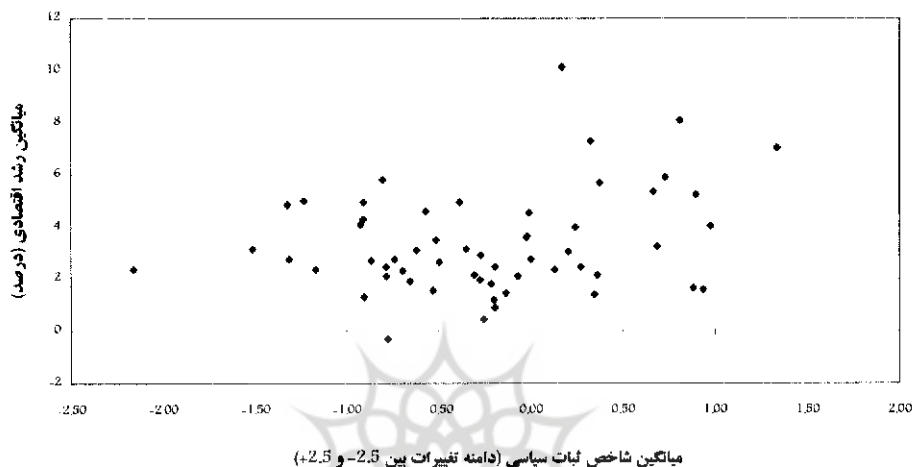
نمودار شماره ۱۰- نمودار پراکندگی رابطه بین رشد اقتصادی و نرخ سرمایه گذاری



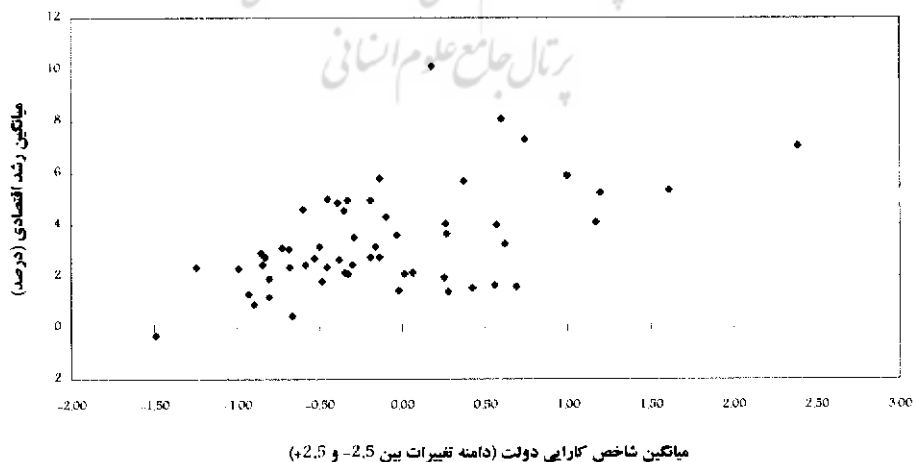
نمودار شماره ۱۱- نمودار پراکندگی رابطه بین شاخص آموزی و رشد اقتصادی



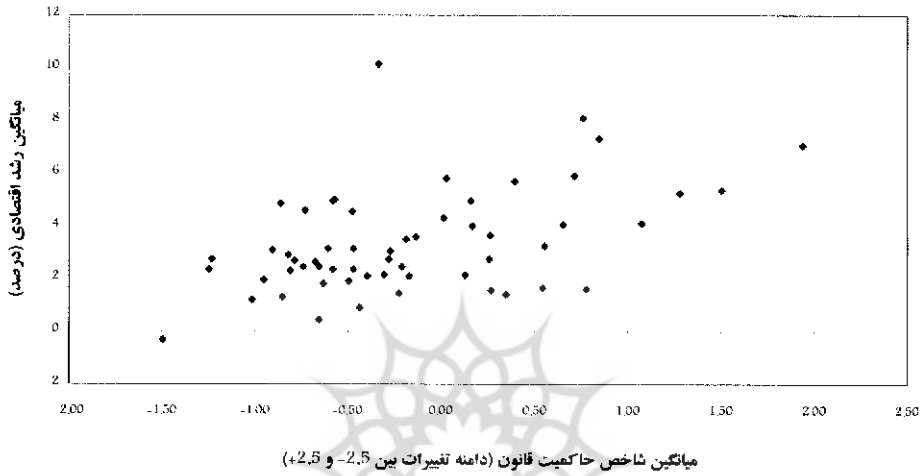
نمودار شماره ۱۲- نمودار پراکندگی رابطه بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی



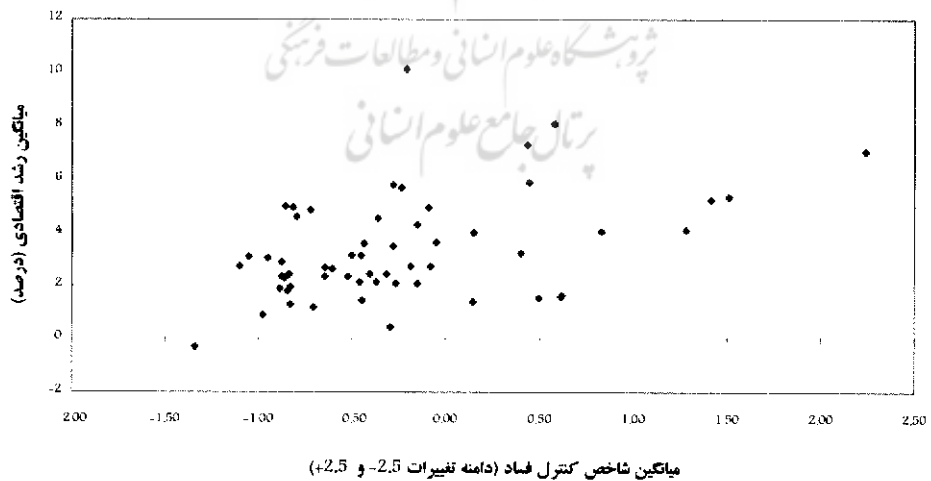
نمودار شماره ۱۳- نمودار پراکندگی رابطه بین کارایی دولت و رشد اقتصادی



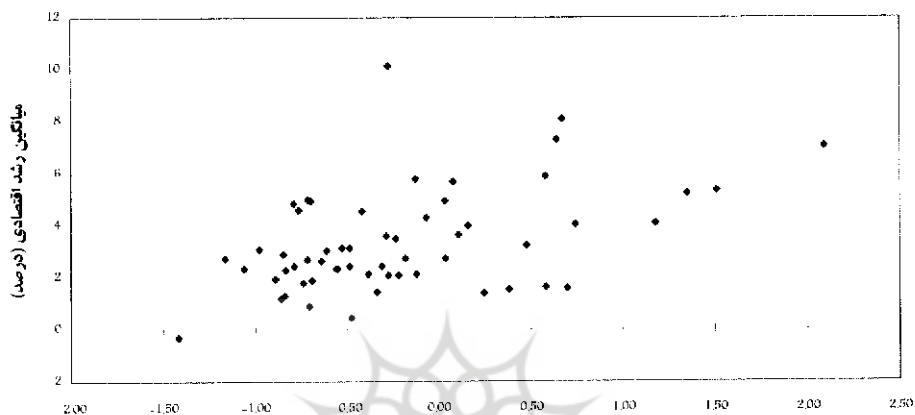
نمودار شماره ۱۴- نمودار پراکندگی رابطه بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی



نمودار شماره ۱۵- نمودار پراکندگی رابطه بین کنترل فساد و رشد اقتصادی

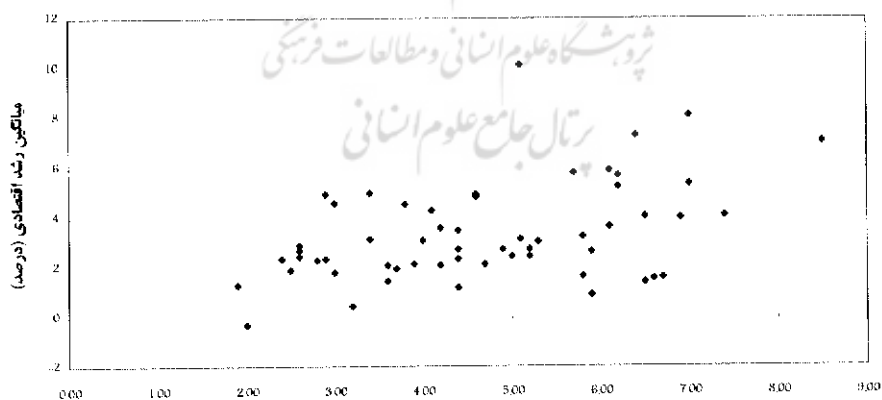


نمودار شماره ۱۶- نمودار پراکندگی رابطه بین کیفیت قوانین و رشد اقتصادی



میانگین شاخص کیفیت قوانین (دامنه تغییرات بین -2,5 و +2,5)

نمودار شماره ۱۷- نمودار پراکندگی رابطه بین ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت



شاخص ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت (دامنه تغییرات بین 0 و 10)

جدول شماره ۳ - اطلاعات مربوط به رشد اقتصادی و عوامل تعیین کننده رشد در کشورهای منتخب - ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱

نام کشور	الجزایر	بوتسوانا	کامرون	کنگو	مصر	غنا	کنیا	مالاوی
(۱) میانگین رشد اقتصادی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱	۲/۳۵	۸/۱	۲/۷۵	۲/۳۵	۴/۹۵	۳/۶	۳/۱	۳/۰۵
سرانه پایه ۱۹۸۰ GDP (۲)	۳۶۸۹	۱۹۸۴	۱۱۹۶	۱۰۱۵	۱۶۵۹	۸۷۲	۶۸۷	۴۰۶
(۳) میانگین نرخ سرمایه گذاری ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱	۱۶/۵۸	۱۶/۹۴	۷/۹۶	۱۲/۹۶	۷/۴۱	۶/۱۱	۸/۳۳	۹/۲۳
(۴) رشد شاخص آموزش ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱	۱۰۰/۳۷	۱۰۰/۲۸	۴۶/۸۹	۲/۸۰	۱۳۵/۴۷	۱۲/۰۸	۲۲/۰۹	۱۹/۴۰
(۵) وابستگی جمعیتی (۲۰۰۱)	۰/۷	۰/۸	۰/۹	۱	۰/۷	۱	۰/۹	۰/۹
(۶) میانگین شاخص ثبات سیاسی	-۲/۱۶	-۰/۸۷	-۰/۷۴	-۱/۱۷	-۰/۳۹	-۰/۰۳	-۰/۶۲	-۰/۳۱
(۷) میانگین شاخص کارایی دولت	-۰/۴۸	-۰/۶۰	-۰/۸۳	-۱/۲۵	-۰/۳۳	-۰/۰۳	-۰/۷۳	-۰/۶۹
(۸) میانگین شاخص حاکمیت قانون	-۰/۵۸	-۰/۷۶	-۱/۲۳	-۱/۲۵	-۰/۱۶	-۰/۱۴	-۰/۹۱	-۰/۲۷
(۹) میانگین شاخص کنترل فساد	-۰/۵۲	-۰/۵۸	-۱/۱۰	-۰/۸۸	-۰/۰۹	-۰/۴۴	-۱/۰۵	-۰/۹۵
(۱۰) میانگین شاخص کیفیت قوانین	-۰/۵۵	-۰/۶۷	-۱/۱۷	-۱/۰۶	-۰/۰۴	-۰/۳۹	-۰/۹۸	-۰/۶۱
(۱۱) شاخص ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت	۲/۹۰	۷/۰۰	۴/۴۰	۲/۴۰	۴/۶۰	۴/۲۰	۴/۰۰	۵/۳۰
CPI (۱۲) شاخص فساد	۲/۶۰	۵/۷۰	۱/۸	۱/۲	۲/۳	۲/۳	۱/۹	۲/۸

۳	۵۰۰۰	-۰/۴۹	-۰/۳۲	-۰/۶۶	-۰/۸۵	۰/۳۷	۱	۶۷/۸۶	۷/۸۳	۵۲۵	۲/۴۵	مالی
-	۴۴۰	-۰/۸۶	-۰/۷۱	-۱/۰۲	-۰/۸۱	-۰/۳۰	۱	۸۵/۴۵	۶/۰۳	۶۸۶	۱/۲	نیجیر
۳/۲	۴۴۰	-۰/۳۳	-۰/۳۸	-۰/۱۹	-۰/۳۹	-۰/۵۲	۱	۱۷/۵۱	۶/۵۱	۸۶۲	۳/۵	سنگال
۴/۴	۶۶۰	۰/۳۷	۰/۵۰	۰/۳۷	۰/۴۳	-۰/۵۳	۰/۶	۶۲/۰۱	۹/۵۲	۴۸۳۱	۱/۵۵	افریقای جنوبی
-	۳۷۰	-۰/۸۹	-۰/۸۳	-۰/۹۵	۰/۲۶	-۰/۳۸	۰/۹	۴۲/۹۲	۷/۴۶	۸۱۰	۱/۹۵	توگو
۴/۹	۶۹۰	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۵۷	۰/۲۴	۰/۶	۷۰/۷۵	۱۴/۴۱	۲۶۷۱	۴	تونس
۲/۲	۴۶۰	-۰/۷۹	-۰/۷۲	-۰/۸۶	-۰/۳۹	-۱/۳۳	۱	۱۰۰/۵۷	۲/۸۳	۲۴۹	۴/۸۵	اوگاندا
۲/۵	۵۹۰	-۰/۷۱	-۰/۹۸	۰/۴۴	-۰/۹۰	-۰/۳۰	۰/۹	۴۰/۰۰	۱۰/۰۴	۸۸۵	۰/۹	زامبیا
۲/۳	۲۶۰	-۰/۷۲	-۰/۶۵	-۰/۷۹	-۰/۵۳	-۰/۸۷	۱	۱۵۱/۱۷	۱۳/۱۵	۱۴۵۱	۲/۷	زیمبابوه
۴/۳	۶۵۰	۰/۷۴	۰/۸۳	۰/۶۶	۰/۳۷	۰/۹۸	۰/۶	۱۶/۵۷	۱۵/۲۹	۳۰۸۱	۴/۰۵	کاستاریکا
۳/۳	۳۸۰	-۰/۴۲	-۰/۳۶	-۰/۴۸	-۰/۳۵	-۰/۰۱	۰/۶	۳۱/۴۷	۱۲/۲۶	۱۹۷۸	۴/۵۵	دومینیک
۲/۷	۴۴۰	-۰/۵۶	-۰/۶۵	-۰/۴۷	-۰/۴۶	۰/۱۳	۰/۷	۶۰/۹۴	۷/۱۰	۲۲۵۰	۲/۳۵	السالوادور
۲/۴	۲۶۰	-۰/۷۹	-۰/۸۴	-۰/۷۴	-۰/۵۹	-۰/۷۹	۰/۹	۲۸/۳۱	۷/۳۵	۲۳۱۰	۲/۴۵	گواتمالا
۱/۵	۲۱۰۰	-۱/۴۲	-۱/۳۴	-۱/۵۰	-۱/۴۹	-۰/۷۸	۰/۸	۴۳/۵۲	۵/۲۷	۶۳۶	-۰/۳	هایتی
۲/۳	۲۶۰	-۰/۸۵	-۰/۸۸	-۰/۸۲	-۰/۸۶	-۰/۳۷	۰/۹	۷۰/۳۱	۱۲/۹۱	۱۳۰۶	۲/۹	هندوراس
۳/۶	۳۶۰	-۰/۳۲	-۰/۳۷	-۰/۱۷	۰/۰۲	-۰/۰۷	۰/۷	۵۱/۵۷	۱۸/۱۳	۴۶۶۰	۲/۱	مکزیک
۲/۶	۳۲۰	-۰/۴۸	-۰/۳۰	-۰/۶۶	-۰/۶۷	-۰/۳۶	۰/۹	۴۱/۸۰	۱۲/۱۴	۱۹۶۵	۰/۴۵	نیکاراگوئه
۳/۴	۴۷۰	-۰/۱۲	-۰/۳۷	۰/۱۲	-۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۶	۳۲/۷۶	۱۸/۳۶	۲۸۹۲	۲/۱۵	پاناما

۵/۲	۶/۱۰	۰/۵۸	۰/۴۵	۰/۷۲	۱/۰۰	۰/۷۳	۰/۰۶	۳۳/۶۰	۲۴/۴۲	۲۹۰۲	۵/۹	مالتی
۲/۵	۳/۴۰	-۰/۷۱	-۰/۸۶	-۰/۵۷	-۰/۴۵	-۰/۳۴	۰/۰۹	۸۸/۳۵	۱۱/۳۳	۷۵۷	۵	پاکستان
۲/۵	۳/۹۰	-۰/۳۸	-۰/۴۶	-۰/۳۱	-۰/۰۷	-۰/۳۱	۰/۰۷	۲۶/۱۱	۱۵/۸۹	۱۸۳۸	۲/۱۵	فیلیپین
۹/۴	۸/۵۰	۲/۰۹	۲/۳۴	۱/۹۴	۲/۳۹	۱/۳۴	۰/۰۴	۲۸/۱۸	۴۳/۷۱	۶۱۲۴	۷/۰۵	سنگاپور
۳/۴	۵/۲۰	۰/۴۰	-۰/۱۹	۰/۲۶	-۰/۱۴	-۰/۳۲	۰/۰۵	۲۲/۹۰	۱۴/۰۱	۹۸۴	۲/۷۵	سريلانكا
۳/۴	۵/۱۰	-۰/۴۹	-۰/۵۰	-۰/۴۷	-۰/۵۰	-۰/۳۵	۰/۰۸	۵۸/۰۸	۱۱/۶۴	۲۴۴۷	۳/۱۵	سوريه
۳/۴	۵/۱۰	-۰/۳۷	-۰/۳۱	-۰/۳۴	-۰/۱۸	-۰/۱۷	۰/۰۵	۳۳/۴۰	۱۹/۳۰	۶۱۷	۱۰/۱۵	چين
۳/۳	۶/۲۰	۰/۰۸	-۰/۲۴	۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۰۴	۴۶/۷۳	۳۱/۳۰	۱۶۲۵	۵/۷	تايلند
۴/۸	۶/۷۰	۰/۷۰	۰/۶۲	۰/۷۸	۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۰۴	۰/۶۶	۱۸/۳۷	۳۷۱۷	۱/۶	مجارستان
۳/۶	۵/۸۰	۰/۴۸	۰/۴۰	۰/۵۶	۰/۶۲	۰/۶۹	۰/۰۵	۱۲/۲۰	۱۹/۸۶	۳۹۵۷	۳/۲۵	لهستان
۳/۱	۴/۱۰	-۰/۰۷	-۰/۱۵	۰/۰۲	-۰/۱۰	-۰/۹۱	۰/۰۵	۵۵/۱۳	۱۶/۸۷	۲۴۷۳	۴/۳	تركيه

منابع: ستون های اول و ۲، مجموعه آمار بانک جهانی (۲۰۰۳)، ستون ۳، محاسبه شده براساس ضمیمه آماری مطالعه باروز (۲۰۰۰)، ستون ۵، محاسبه شده بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل (۲۰۰۴)، ستون ۶ و ۷، شاخص کافمن، بانک جهانی (۲۰۰۴)، ستون ۸، شاخص موسسه فریز (۲۰۰۴)، ستون ۹، شاخص فساد موسسه بین المللی شفافیت.

Dependent Variable: G

Method: Least Squares

Date: 11/10/05 Time: 01:11

Sample(adjusted): 1 57

Included observations: 57 after adjusting endpoints

$$G=C(1)+C(2)*\text{LOG}(Y0)+C(3)*I+C(4)*\text{SCH}+C(5)*P_DEP+C(6)*\text{DUM_IRAN}$$

	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(1)	14.29225	3.055632	4.677348	0.0000
C(2)	-1.476317	0.308805	-4.780739	0.0000
C(3)	0.163219	0.036662	4.451954	0.0000
C(4)	0.014450	0.006249	2.312508	0.0248
C(5)	-3.937493	1.599260	-2.462071	0.0172
C(6)	-1.566063	1.459854	-1.072753	0.2884
R-squared	0.532833	Mean dependent var		3.350000
Adjusted R-squared	0.487032	S.D. dependent var		1.954779
S.E. of regression	1.400048	Akaike info criterion		3.610190
Sum squared resid	99.96680	Schwarz criterion		3.825248
Log likelihood	-96.89042	F-statistic		11.63372
Durbin-Watson stat	2.015080	Prob(F-statistic)		0.000000

Dependent Variable: G

Method: Least Squares

Date: 11/10/05 Time: 12:13

Sample (adjusted): 1 57

Included observations: 57 after adjustments

$$G=C(1)+C(2)*\text{LOG}(Y0)+C(3)*I+C(4)*\text{SCH}+C(5)*P_DEP+C(6)*(GOV96_P+GOV_P)/2+C(7)*\text{DUM_IRAN}$$

	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(1)	14.64694	3.030769	4.832746	0.0000
C(2)	-1.511063	0.306234	-4.934338	0.0000
C(3)	0.151855	0.037061	4.097462	0.0002
C(4)	0.015633	0.006230	2.509201	0.0154
C(5)	-3.763240	1.585652	-2.373307	0.0215
C(6)	0.432150	0.293396	1.472925	0.1470
C(7)	-1.429357	1.446379	-0.988231	0.3278

R-squared	0.552260	Mean dependent var	3.350000
Adjusted R-squared	0.498531	S.D. dependent var	1.954779
S.E. of regression	1.384266	Akaike info criterion	3.602803
Sum squared resid	95.80961	Schwarz criterion	3.853704
Log likelihood	-95.67988	Prob(F-statistic)	0.000000
Durbin-Watson stat	1.866486		

Dependent Variable: G

Method: Least Squares

Date: 11/10/05 Time: 01:17

Sample(adjusted): 1 57

Included observations: 57 after adjusting endpoints

$G=C(1)+C(2)*\text{LOG}(Y0)+C(3)*I+C(4)*\text{SCH}+C(5)*P_DEP+C(6)$
 $*(\text{GOV}96_E+\text{GOV}_E)/2+C(7)*\text{DUM}_IRAN$

	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(1)	15.65880	2.722402	5.751831	0.0000
C(2)	-1.651140	0.276488	-5.971831	0.0000
C(3)	0.103265	0.035833	2.881888	0.0058
C(4)	0.013611	0.005525	2.463359	0.0172
C(5)	-2.527664	1.458265	-1.733336	0.0892
C(6)	1.357536	0.346797	3.914502	0.0003
C(7)	-0.739145	1.307096	-0.565487	0.5743
R-squared	0.642419	Mean dependent var	3.350000	
Adjusted R-squared	0.599510	S.D. dependent var	1.954779	
S.E. of regression	1.237068	Akaike info criterion	3.377952	
Sum squared resid	76.51692	Schwarz criterion	3.628853	
Log likelihood	-89.27162	F-statistic	14.97142	
Durbin-Watson stat	1.673353	Prob(F-statistic)	0.000000	

Dependent Variable: G

Method: Least Squares

Date: 11/10/05 Time: 01:19

Sample(adjusted): 1 57

Included observations: 57 after adjusting endpoints

$G=C(1)+C(2)*\text{LOG}(Y0)+C(3)*I+C(4)*\text{SCH}+C(5)*P_DEP+C(6)*(\text{GOV}96_L$
 $+\text{GOV}_L)/2+C(7)*\text{DUM}_IRAN$

	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(1)	15.61530	2.818818	5.539660	0.0000
C(2)	-1.674655	0.288234	-5.810045	0.0000
C(3)	0.115484	0.036412	3.171632	0.0026
C(4)	0.013911	0.005709	2.436576	0.0184
C(5)	-2.409827	1.530697	-1.574333	0.1217
C(6)	1.252510	0.375293	3.337418	0.0016
C(7)	-0.528932	1.369065	-0.386346	0.7009
R-squared	0.617943	Mean dependent var		3.350000
Adjusted R-squared	0.572096	S.D. dependent var		1.954779
S.E. of regression	1.278707	Akaike info criterion		3.444161
Sum squared resid	81.75457	Schwarz criterion		3.695063
Log likelihood	-91.15860	F-statistic		13.47839
Durbin-Watson stat	1.759894	Prob(F-statistic)		0.000000

Dependent Variable: G

Method: Least Squares

Date: 11/10/05 Time: 01:27

Sample(adjused): 1 57

Included observations: 57 after adjusting endpoints

$G=C(1)+C(2)*\text{LOG}(Y0)+C(3)*I+C(4)*\text{SCH}+C(5)*P_DEP+C(6)$

$*(\text{GOV}96 \text{ C}+\text{GOV} \text{ C})/2+C(7)*\text{DUM} \text{ IRAN}$

	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(1)	16.93900	2.903796	5.833397	0.0000
C(2)	-1.787451	0.297326	-6.011751	0.0000
C(3)	0.118869	0.036063	3.296162	0.0018
C(4)	0.013285	0.005721	2.321992	0.0243
C(5)	-3.011275	1.487894	-2.023850	0.0483
C(6)	1.186038	0.356638	3.325602	0.0017
C(7)	-0.667273	1.361287	-0.490178	0.6262
R-squared	0.617450	Mean dependent var		3.350000
Adjusted R-squared	0.571544	S.D. dependent var		1.954779
S.E. of regression	1.279531	Akaike info criterion		3.445450
Sum squared resid	81.85998	Schwarz criterion		3.696351
Log likelihood	-91.19533	F-statistic		13.45031
Durbin-Watson stat	1.723674	Prob(F-statistic)		0.000000

Dependent Variable: G

Method: Least Squares

Date: 11/10/05 Time: 01:29

Sample(adjusted): 1 57

Included observations: 57 after adjusting endpoints

$$G=C(1)+C(2)*\text{LOG}(Y0)+C(3)*I+C(4)*\text{SCH}+C(5)*P_DEP+C(6) \\ *(GOV96_R+GOV_R)/2+C(7)*\text{DUM_IRAN}$$

	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(1)	15.35713	2.978348	5.156258	0.0000
C(2)	-1.682515	0.310966	-5.410602	0.0000
C(3)	0.138097	0.037004	3.731978	0.0005
C(4)	0.017381	0.006153	2.824984	0.0068
C(5)	-3.019100	1.592166	-1.896222	0.0637
C(6)	0.939690	0.417344	2.251598	0.0288
C(7)	-0.019045	1.563890	-0.012178	0.9903
R-squared	0.575840	Mean dependent var		3.350000
Adjusted R-squared	0.524941	S.D. dependent var		1.954779
S.E. of regression	1.347323	Akaike info criterion		3.548701
Sum squared resid	90.76390	Schwarz criterion		3.799602
Log likelihood	-94.13799	F-statistic		11.31334
Durbin-Watson stat	1.728592	Prob(F-statistic)		0.000000

Dependent Variable: G

Method: Least Squares

Date: 11/10/05 Time: 01:35

Sample(adjusted): 1 57

Included observations: 57 after adjusting endpoints

$$G=C(1)+C(2)*\text{LOG}(Y0)+C(3)*I+C(4)*\text{SCH}+C(5)*P_DEP+C(6)*\text{EF2_AV} \\ +C(7)*\text{DUM_IRAN}$$

	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(1)	12.11331	3.108547	3.896775	0.0003
C(2)	-1.472594	0.297795	-4.944995	0.0000
C(3)	0.135589	0.037518	3.613996	0.0007
C(4)	0.014458	0.006026	2.399348	0.0202
C(5)	-2.838436	1.621066	-1.750969	0.0861
C(6)	0.387980	0.176304	2.200623	0.0324
C(7)	-1.132694	1.421487	-0.796837	0.4293
R-squared	0.574085	Mean dependent var		3.350000
Adjusted R-squared	0.522975	S.D. dependent var		1.954779
S.E. of regression	1.350107	Akaike info criterion		3.552831
Sum squared resid	91.13950	Schwarz criterion		3.803732

Log likelihood	-94.25569	F-statistic	11.23237
Durbin-Watson stat	1.956564	Prob(F-statistic)	0.000000

Dependent Variable: G

Method: Least Squares

Date: 11/10/05 Time: 01:37

Sample(adjusted): 1 57

Included observations: 54

Excluded observations: 3 after adjusting endpoints

$G=C(1)+C(2)*LOG(Y0)+C(3)*I+C(4)*SCH+C(5)*P_DEP+C(6)*CPI+C(7)*DUM_IRAN$

	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(1)	15.56976	2.810206	5.540433	0.0000
C(2)	-1.849841	0.299299	-6.180567	0.0000
C(3)	0.116353	0.035959	3.235731	0.0022
C(4)	0.014704	0.005766	2.550003	0.0141
C(5)	-3.278152	1.470511	-2.229260	0.0306
C(6)	0.514367	0.148743	3.458092	0.0012
C(7)	-0.947176	1.345162	-0.704135	0.4848
R-squared	0.629473	Mean dependent var	3.432407	
Adjusted R-squared	0.582172	S.D. dependent var	1.972575	
S.E. of regression	1.275065	Akaike info criterion	3.444294	
Sum squared resid	76.41213	Schwarz criterion	3.702125	
Log likelihood	-85.99593	F-statistic	13.30775	
Durbin-Watson stat	1.848951	Prob(F-statistic)	0.000000	

فهرست منابع و مآخذ:

منابع فارسی

- ۱- ویلیامسون ای. الیور، (۲۰۰۰)، «اقتصاد نهادگرایی جدید: دستاوردهای گذشته و نگاهی به فرارو»، مترجم: دکتر محمود متوسلی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۳.

منابع انگلیسی

- 1- Acemoglu Daron, Simon Johnson, James Robinson, (2004), "*Institutions as the Fundamental Cause of Long-Run Growth*", NBER Working Paper No. 10481.
- 2- Barro, Robert J. (1991), "*Economic Growth in a Cross Section of Countries*", Quarterly Journal of Economics, 106(2).
- 3- Barro, Robert J. and Jong-Wha Lee (1994), "*Sources of Economic Growth (with comments from Nancy Stokey)*", Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy 40.
- 4- Barro, Robert J. and Jong-Wha Lee (2000), "*International Data on Educational Attainment: Updates and Implications*", CID Working Paper No. 42.
- 5- Bates Robert H., Avner Greif, Macartan Humphreys, and Smita Singh., (2004), "*Institutions and Development*". CID Working Paper No. 107.
- 6- Bates Robert H., (2006), "*Institutions and Development*", Journal Of African Economies, Volume 15.
- 7- Carlsson, F. and S. Lundstrom (2000), "*Economic Freedom and Growth*", Department of Economics, Göteborg University, Working Paper in Economics 33.
- 8- Cororaton C. B., (2002), "*Total Factor Productivity In The Philippines*", Philippine Institute For Development Studies. Discussion Paper Series No. 2002-01
- 9- Easterly, W, and Levine, R, (1998), "*Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions*", Quarterly Journal of Economics 112, November, 1203-1250.

-
- 10- Eicher, Theo, and Till Schreiber (2005). *"Effects of Institutional Change on Economic Growth: Time Series Evidence from Natural Experiments"*, University of Washington.
 - 11- Fajnzylber P. , Daniel L.,(1999), *"Economic Reforms and Total Factor Productivity Growth in Latin America and the Caribbean, 1950-95: An Empirical Note"* , JEL Classification, O47, World Bank.
 - 12- Griliches, Z. , Jorgenson D. W., (1967), *"The Explanation of Productivity Change"*, Review of Economic Studies, Vol. 34.
 - 13- Hann, J. and J. Sturm (1999), *" On the relationship between economic freedom and economic growth"*, Department of Economics , University of Groningen.
 - 14- Henisz Witold J., (2000), *"The Institutional Environment for Economic Growth"*, Economics and Politics 12(1).
 - 15- *Human Development Report*, UNDP, 2004.
 - 16- Karras G. and E. B. Ayal (1998), *"Components Of Economic Freedom And Growth: An Empirical Study"*, University Of Illinois At Chicago, The Journal Of Developing Areas, 32(3).
 - 17- Kaufmann Daniel and Aart Kraay and Massimo Mastruzzi, (2003), *"Governance Matters III:Governance Indicators for 1996-2002"*, The World Bank June 30.
 - 18- Levine, R. and D. Renelt (1992), *"A sensitivity analysis of cross-country growth regressions"*, American Economic Review, 82 (4).
 - 19- Marrocu E., Raffaele Paci , Roberto Pala,(2000), *"Estimation Of Total Factor productivity For Regions And Sectors In Italy."*, ERSA 2000 Conference.
 - 20- Mirfakhrai M. K.,(2004), *"Total Factor Productivity Growth: Survey Report"*, Published by the Asian Productivity Organization,
 - 21- Njikam O., J. Nymeck Binam, Simon Tachi,(2002), *"Understanding Total Factor Productivity Growth In Sub-*

- Saharan Africa Countries*", Faculty of Economics & Management, University of Yaounde II,
- 22- Nkurunziza Janvier D. and Robert H. Bates, (2003), "*Political Institutions and Economic Growth in Africa*", The Centre for the Study of African Economies Working Paper Series, , Paper 185.
- 23- North, Douglass, (1990), "*Institutions, Institutional Change, and Economic Performance*", Cambridge, The University Press.
- 24- North, Douglass, (1991), "*Institutions*", Journal of Economic Perspectives, Vol. 5, #1.
- 25- Przeworski Adam, (2003), "*The Last Instance: Are Institutions the Primary Cause of Economic Development?*" This paper was originally prepared for a meeting on Institutions, Behavior, and Outcomes, CEBRAP, Sao Paulo, March 12-14.
- 26- Sala-i-Martin, X. (1996) "*The Classical Approach to Convergence Analysis.*", Economic Journal 106 (July): 1019-36.
- 27- Solow, R. M., (1957), "*Technical Change and the Aggregate Production Function*", Review of Economics and Statistics, Vol. 39.
- 28- Torsten Persson, (2004), "*Forms of democracy, policy and economic development*", <http://www.iies.su.se/~persson/>.
- 29- Ward William A and Maya Vijayaraghavan (2000), "*Institutions and Economic Growth: Empirical Evidence from a Cross-National Analysis*", Clemson University.
- 29- Williamson, Oliver E., (1975), "*Markets and Hierarchies: Analysis and Antitrust Implications*", New York: FreePress.
- 30- Williamson, Oliver E., (1977). "*Predatory Pricing: A Strategic and Welfare Analysis*", Yale Law Journal, 87 (December).
- 31- Williamson, Oliver E., (1983), "*Credible Commitments: Using Hostages To Support Exchange*", American Economic Review, 73 (September).

- 32- Williamson, Oliver E., (1991), "*Comparative Economic Organization: The Analysis of Discrete Structural Alternatives*", Administrative Science Quarterly, 36 (June).
- 33- Williamson, Oliver E. 1993a. "*Transaction Cost Economics and Organization Theory*," Institutional and Corporate Change, 2 (2).
- 34- Williamson, Oliver E., (1993b), "*Calculativeness, Trust, and Economic Organization*" , Journal of Law and Economics, 36 (April).
- 35- Williamson, Oliver E., (1996), "*The Mechanisms of Governance*", New York: Oxford University Press.
- 36- Williamson, Oliver E. (1999), "*Public and Private Bureaucracies*", Journal of Law, Economics, and Organization, 15 (April).
- 37- Williamson, Oliver E., Michael L. Wachter, and Jeffrey E. Harris, (1975), "*Understanding the Employment Relation: The Analysis of Idiosyncratic Exchange*", Bell Journal of Economics, 6 (Spring).
- 38- *World Development Indicators Database*, The World Bank Group, April 2003.